

ضمیمه:

فاکتهای بسیج جهانی برای بیماران اشرف (اکبر شفقت، الهام فردی پور و مهدی فتحی)  
و سکوت و عدم اطلاع رسانی از بیماری مهدی افتخاری و اعلان یکباره خبر مرگ او بر اثربیماری سرطان:

تاریخ: PM 12:14:21 1389/12/23

افشاگری مجاهد اشرفی اکبر شفقت در بستر بیماری در مورد ممانعت از معالجات پزشکی

من اکبر شفقت ۲ ساله مبتلا به مریضی سرطان هستم. یک سال و نیم پیش در خرداد ماه عمل جراحی موفق داشتم. بشکلی که مریضی سرطانم حدوداً برطرف شد. دکتر تجویز کرد که برای تکمیل کارت باید شیمی درمانی کنی. ولی با اومدن این کمیته سرکوب و این گردان حفاظت اشرف که وابسته به نخست‌وزیری عراق هستند، شرایط برگشت. به صورتی که از اون روز به بعد دچار مرگ تدریجی و شکنجه‌های مستمر بودم

تاریخ: AM 6:40:50 1389/8/20

نمونه‌یی از اقدامات جنایتکارانه دولت مالکی در قبال زنان اشرف



الهام فردی پور

مجاهد خلق الهام فردی پور سه‌شنبه گذشته ۱۸ آبان ۱۳۸۹ در مورد وضعیت حاد بیماری خود و فشارهای کمیته سرکوب اشرف به مجاهدان اشرف و بیماران، طی نامه‌یی به اد ملکرت نماینده ویژه ملل متحد در عراق، نوشت: ...

اخبار - مقاومت

تاریخ: PM 7:42:08 1389/9/5

سخنان فرانسوا لوگاره شهردار منطقه اول پاریس در کنفرانس شهرداران



#### فرانسوا لوگاره شهردار منطقه اول پاریس در کنفرانس شهرداران

ابتدا می‌خواستیم احساس خوشحالی و افتخارم را از استقبال از خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور ابراز کنم.

... در آنجا ۳۴۰۰ تن از ۱۹ ماه پیش با یک محاصره کامل مواجه هستند. آنها از هرگونه آزادی عمل و رفت‌وآمد محروم هستند. بعضی از آنها که بیمارند با وضعیت وخیم از زاویه بشردوستانه روبه‌رو هستند که ما در جلو ساختمان شهرداری تصاویر آنها را نصب کرده‌ایم: تصاویر الهام فردی‌پور و مهدی فتحی. آنها با بیماری‌های صعب‌العلاجی دست و پنجه نرم می‌کنند. آنها مخالفان رژیم ایران هستند که با خطر مرگ مواجهند ولی از امکان رسیدگی‌های پزشکی محروم شده‌اند.

#### اخبار - اشرف

تاریخ: AM 8:35:47 1389/6/1

آلخو ویدال کوادراس خواستار لغو محاصره اشرف و نجات جان بیماران صعب‌العلاج شد



#### آلخو ویدال کوادراس

آلخو ویدال کوادراس معاون رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت خواستار لغو محاصره پزشکی از قرارگاه اشرف و نجات جان یکی از ساکنان قرارگاه شد. روزنامه الزمان ضمن درج این خبر نوشت: آلخو ویدال کوادراس طی بیانیه‌ی اعلام کرد: محدودیت‌های پزشکی اعمال شده علیه اشرف به‌ویژه ممانعت از انتقال بیماران صعب‌العلاج به بیمارستان‌های تخصصی، نگرانی‌های گسترده‌ای برانگیخته است.

یکی از این بیماران به‌نام مهدی فتحی است که به سرطان پیشرفته کلیه مبتلاست و در وضعیت بسیار وخیمی به‌سر می‌برد. پیش از این نیز به‌دلیل مانع‌تراشی‌ها برای بستری شدن در بیمارستان و تاخیر در عمل جراحی، یکی از کلیه‌های خود را از دست داده است. وی به تشخیص پزشکان متخصص عراقی هر چه زودتر باید تحت عمل جراحی قرار گیرد و هر ساعت تاخیر زندگی او را بخطر می‌اندازد. ...

#### اخبار - اشرف

تاریخ: PM 7:08:46 1389/9/13

فراخوان عفو بین‌الملل در مورد محدودیت‌های پزشکی اعمال شده بر ساکنان اشرف



فراخوان عفو بین‌الملل در مورد محدودیت‌های پزشکی اعمال شده بر ساکنان اشرف

عفو بین‌الملل در فراخوان جدید خود نوشت:

از: عفو بین‌الملل  
به: متخصصان بهداشت و پزشکی  
اطلاعیه فراخوان به عمل  
موضوع: محدودیت‌های پزشکی اعمال شده بر روی تبعیدیان ایرانی از جمله پناهندگان

.....  
**اخبار - اشرف**

تاریخ: PM 12:14:21 1389/12/23

**افشاگری مجاهد اشرفی اکبر شفقت در بستر بیماری در مورد ممانعت از معالجات پزشکی**

من اکبر شفقت ۲ ساله مبتلا به مریضی سرطان هستم. یک سال و نیم پیش در خرداد ماه عمل جراحی موفق داشتم. بشکلی که مریضی سرطانم حدوداً برطرف شد. دکتر تجویز کرد که برای تکمیل کارت باید شیمی درمانی کنی. ولی با اومدن این کمیته سرکوب و این گردان حفاظت اشرف که وابسته به نخست‌وزیری عراق هستند، شرایط برگشت. به‌صورتی‌که از اون روز به بعد دچار مرگ تدریجی و شکنجه‌های مستمر بودم. شیمی درمانیم که باید در همان ماه اول یا ماه دوم صورت می‌گرفت، ۹ ماه و نیم طول کشید. از اومدن دکتر متخصص و دکتر سرطان به اشرف ممانعت کردند. از اعزام من بارها که قصد اعزام به بغداد برای شیمی درمانی کردم، ممانعت کردند به‌صورتی‌که بعد از ۹ ماه و نیم وضعیتیم به وضع سابق برگشت. سرطان در درونم رشد کرد و به جایی رسید که در نقطه مرگ قرار گرفتم. این شکنجه‌گران، این مزدوران، این کسانی که به اسم خدمات پزشکی و به اسم رسیدگی‌های پزشکی و دارو و درمان پاشون رو این‌جا گذاشته بودند و در ظاهر لباس سفید پزشکی پوشیده بودند، در باطن همان کار را که با مهدی فتحی کردند با من و امثال ما کردند.

نمونه‌هایی از نقض حقوق بشر و نادیده گرفتن پایه‌ترین حقوق مریض که اینها انجام دادند مقدارش زیاده که در نامه‌ها و شکایت نامه‌هایی که به سازمان ملل و به یونامی فرستادیم در این‌جا هست.

حالا صحبت من اینه که چطور ۹ ماه و نیم مریض سرطانی رو شیمی درمانی نمی‌کنید، چطور ۸ ماه مریض شیمی درمانی رو که باید رادیو تراپی انجام بشه تا به سلامتی‌اش برسه انجام نمی‌دید؟!!

اینه کار خدمات درمانی و رسیدگی‌های پزشکی و دارو و درمان که شما در حق ساکنان اشرف میدید؟! مگر شما حق دارید که دکتر معالج مریض رو، دکتر متخصص و دکتر سرطان مریض رو بدون اطلاع و بدون اجازه او جابجا کنید و عوض کنید؟! این حق رو کی به شما داده؟!!

ولی من میدونم که اینها دکتر نیستن! چرا این حرف رو می‌زنم؟ چون ۱۴ سال تو زندانهای مخوف رژیم، رژیم خمینی و رژیم خامنه‌ای، رژیم ولایت‌فقیه، در زندان اوین و گوهر دشت بودم. انواع مختلفش رو دیدم.

اگر اینها هم همان کارها را می‌کنن همجنس و هم سنخ همنند. این رو نمی‌تونن انکار کنن چون تنها جایی که همچین سنخی هست یکی این شکنجه‌گاه عراق جدید و یکی هم زندانهای اوین و گوهر دشت!

خطاب به تو میگم ای ولی‌فقیه ارتجاع، تو که فکر می‌کردی با این اهرم دارو و درمان و خدمات پزشکی ما مجاهدین در اشرف رو می‌تونی به

حساب به زانو در بیاری، می‌تونی تسلیم بکنی، فکر می‌کردی کسی مثل من که مریضی و دوا و درمان به اصطلاح حیاتی‌ترین و نیازمندترین چیزشه، می‌تونی از این استفاده کنی و به زانو در بیاری، هیهات! هیهات منالذله! زهی خیال باطل! فکر کردی! افتخار من و تمام مجاهدین سوگند خورده از روز اول این بود که جونشون رو در راه مردمشون و در راه آزادی وطنشون بدن. در راه آزادی مردمشون فدا بکنن. چه افتخاری و چه غرور و چه شرفی بالاتر از این‌که در راه مردممون خونمون رو و جونمون رو و هرچه داریم رو فدا بکنیم!

دوساله به بیماری سرطان مبتلا هستم و هر روز با درد و رنج اون به اصطلاح دست و پنجه نرم کردم. اگر فکر می‌کنی که ما محتاج خدمات درمانی شما هستیم اگر فکر می‌کنی که ما محتاج دارو و درمان و خدمات درمانی شما هستیم کور خوندی.

این رو هم بگم، من با قسم یاد می‌کنم، با تمام وجودم، با تمام پشتوانه اسارت‌م در جنگ‌های رژیم، تعهد میدم که در این زمینه و در این پهنه هم پوزه ترا به خاک بمالیم و پوزه‌ات را به خاک خواهیم مالید!

**بهبتره در اونجا را تخته بکنید، بهتره گل بگیرید! بهتره گورتون رو گم کنید! ما نیازی به هیچ‌کدام از شما نداریم! و نیازی به هیچ خدمات پزشکی، خدمات پزشکی که از نوع شکنجه‌گرانه‌اش باشه و به قصد و غرض به تسلیم کشوندن مجاهدین باشه نمی‌خوایم برید از این‌جا بیرون! گورتون رو گم کنید!**

**تعهد می‌دم که در این جنگ پوزه‌ات رو به خاک بمالیم. یک بار دیگه نشون بدیم که هیچ‌کاری از دستت بر نیاید پس بیا! بیا! بیا!**

**اخبار - اشرف**

تاریخ: 1389/9/28 1:35:12 PM

**پیامهای تسلیت رئیس انجمن زنان آزاده دیالی و شیخ جعفر جواد کاظم بمناسبت درگذشت مجاهد اشرفی مهدی فتحی**



**مجاهد صدیق، شهید قهرمان، مهدی فتحی**

خانم ذکری داود جمعه رئیس انجمن زنان آزاده دیالی و شیخ جعفر جواد کاظم از شیوخ عشیره بیاتی در استان دیالی عراق در مصاحبه‌هایی درگذشت مهدی فتحی قهرمان سرفراز اشرفی را تسلیت گفتند و ممانعت غیرانسانی نیروهای عراقی از دسترسی او به امکانات درمانی در بیمارستانهای عراق را به شدت محکوم کردند.

خانم ذکری داود جمعه در مصاحبه خود گفت: در ابتدا می‌خواستیم عمیق‌ترین تسلیهای خودم را به ساکنان اشرف، سازمان مجاهدین خلق، آقای مسعود و خانم مریم بمناسبت شهادت مجاهد مهدی که به خاطر ممانعت نیروهای عراقی از رفتن وی برای معالجه به بیمارستانهای عراق درگذشت، تقدیم کنم، کاری که نه انسانی است و نه اخلاقی. و از خدای بزرگ متعال می‌خواهم که او را در بهشت برین خود جای دهد. و خواهان شفای عاجل برای تمامی دوستانمان در اشرف هستیم. اما این فشارها و سختیهایی که بر ساکنان اشرف روا داشته می‌شود کار مزدوران رژیم ایران برای اخراج آنها از عراق است که از نظر ما اقدامی غیرانسانی است. ما مردم دیالی ضمن تکذیب دروغهای مزدوران رژیم ایران، اعلام می‌کنیم ما همانهایی هستیم که برای دفاع از ساکنان اشرف 450 هزار امضای حمایت جمع‌آوری کردیم و من خودم نیز در این جمع‌آوری شرکت داشتم. همین‌طور 5 میلیون تن از عراقیان به‌ویژه زنان از ساکنان اشرف حمایت کردند. در پایان از سازمانهای بین‌المللی و به‌خصوص از مجامع حقوق‌بشری می‌خواهم که برای جلوگیری از فشارهای مزدوران رژیم ایران به ساکنان اشرف هرچه سریعتر دخالت کنند. ما خواهان برداشتن لغو محاصره اشرف هستیم.

شیخ جعفر جواد کاظم شیخ عشیره بیاتی در استان دیالی عراق نیز در مصاحبه خود گفت: من محاصره ظالمانه اشرف را به شدت محکوم می‌کنم و از سازمانهای انسان‌دوست و کشورهای بزرگ درخواست می‌کنم شهر اشرف و بیماران آن را حمایت کنند. اخیراً یکی از دوستان ما در شهر اشرف به نام مهدی فتحی به رحمت ایزدی پیوست و تعدادی دیگر به بیماری سرطان مبتلا هستند و این در حالیست که آنها امکان معالجه در اشرف را ندارند و نمی‌توانند برای معالجه از آنجا خارج شوند. مهدی در اثر بیماری سرطان به مرگ زودرسی درگذشت. مصیبت وارده را به خواهر **مریم رجوی** تسلیت می‌گوییم و برای آن مرحوم نیز مغفرت و رحمت آرزو می‌کنیم.

**اخبار - اشرف**

تاریخ: 1389/9/24 6:59:48 PM

مهدی فتحی یک انقلابی که جوانیش را به میلیونها انسان ستم دیده هدیه کرد



مجاهد اشرفی شهید، مهدی فتحی

سایت ملف ۱۲ دسامبر: چهره او همچنان در ذهنهای ما ماندگار است. در آخرین قطعه ویدئویی، او دارای تبسمی بود که از چهره رنگ‌پریده و نحیفی که بیماری آن را فرسوده کرده بود، جدا نشده بود. دستش را به علامت پیروزی در برابر نوربین بالا برده بود، گویا که آخرین وصیت خود را می‌کند، نه فقط به دوستانش و دوستانش، بلکه به همه مبارزان آزاده جهان، گویا می‌گوید: "شما در نهایت پیروز هستید...".

در قلب صحرا، به دور از وطن، مجاهد ایرانی مهدی فتحی، بعد از درگیری طولانی با بیماری سرطانی که نیروهایش را تحلیل برد، چشمانش را برای همیشه بر هم گذاشت و پس از این‌که نیروهای نخست‌وزیر عراق نوری مالکی او را در اردوگاه اشرف بازداشت کردند و مانع درمانش در بیمارستانهای تخصصی گشتند.

مهدی فتحی ۲۵ سال را در تبعید در اردوگاه اشرف در استان دیالی عراق با ۳۴۰۰ پناهنده ایرانی مخالف رژیم ولی‌فقیه گذراند و آرزوهای مشروع خود برای آزادی کشورش از دست فاشیسم دینی حاکم را بالاتر از هر هدف دنیوی قرار داد. وی امکان داشت در هر لحظه به سهولت این صحرا را ترک کرده و زندگی راحت و آرامی را در هر مکانی از این جهان داشته باشد. ولی این انسان بر اصول و ارزشهایی زاده شده و رشد نموده بود که او را وادار به برتری دادن مردمش بر خودش در همه چیز کرد. خاطرش آرام نگرفت تا آخوندهای ایران را ببیند که زوال می‌یابند، همان‌گونه که ابرهای سیاه کینه از آسمان ایران و منطقه زایل می‌گردند. از اینجا راه مقاومت تا پیروزی یا مرگ را برگزید. شاگرد مشتاق و مخلصی در مدرسه مبارز بزرگ ایران **مسعود رجوی** بود که به جلال گفت "بیا... بیا...".

در طول همه این مدت، مهدی شروع به باختن رنگ چهره خود و نحیف شدن بسیار کرد. چهره او نشان می‌دهد که وی روزهای آخرش در این دنیا را چگونه گذرانده است. در ظهر روز جمعه ۱۰ دسامبر ۲۰۱۰، روح پاکش پرواز کرد تا شهادی بر دو حقیقت بسیار مهم باشد. اول این‌که مالکی مرتکب جنایت قتل جدیدی در زنجیره جنایاتش شده که به دستور مستقیم آخوندهای تهران به حق اشرفیان بیگناه مرتکب می‌شود. دوم اشاره به میزان شجاعت و صلابت ساکنان اشرف و میزان ایمان عمیق آنان به عدالت موضوع خودشان و میزان جدیت آنان در دفاع از آن می‌کند. گویا که آنان از طریق دوست مرحوم خودشان مهدی فتحی پیامی را به مردم کره زمین رسانده‌اند، این پیام می‌گوید: "در راه آزادی ملیونها انسان از زنجیر بندگی، سلام بر مرگ".

**اخبار - اشرف**

تاریخ: PM 12:15:14 1389/9/27

ادامه تسلیتها به مناسبت درگذشت اشرفی صدیق مهدی فتحی



مجاهد صدیق، شهید قهرمان، مهدی فتحی

ایو بونه، استاندار و نماینده پیشین مجلس ملی فرانسه، شیخ کامل لطیف رئیس تجمع عشایر ملی استان واسط عراق، شیخ ساجد عوده خصیر، شیخ عشیره الحجام الثانی در استان ذیقار عراق، سهیل خوری، روزنامه‌نگار اردنی و منشور وارسته، از اعضای **شورای ملی مقاومت ایران** ضمن تسلیت به‌خاطر درگذشت اشرفی صدیق، مجاهد قهرمان، مهدی فتحی، محاصره ضدانسانی اشرف را که منجر به درگذشت او شده است، محکوم کردند.

انان، دولت نوری مالکی را مسئول این جنایت و تحمیل محدودیتهای بیرحمانه پزشکی علیه اشرف دانستند و ملل متحد و یونامی را به پایان‌دادن به این‌گونه اقدامات ضدانسانی فراخواندند.

**اخبار - اشرف**

تاریخ: AM 7:00:37 1389/9/24

گرامی‌داشت یاد مجاهد صدیق مهدی فتحی در داخل کشور



مجاهد صدیق شهید قهرمان مهدی فتحی

خانواده‌های هوادار سازمان **مجاهدین خلق ایران** در تهران یاد قهرمان صدیق مجاهد خلق مهدی فتحی را گرامی داشتند.

**اخبار - اشرف**

تاریخ: PM 6:59:48 1389/9/24

شخصیتهای عراقی و مصری درگذشت مهدی فتحی را تسلیت گفتند



مجاهد خلق، اشرفی قهرمان، مهدی فتحی

جمعیت وکلای مصری برای دفاع از اشرف به ریاست ولید سامی فرحات طی بیانیه‌ی درباره درگذشت مجاهد قهرمان مهدی فتحی و فشارهای ضدانسانی کمیته سرکوب اشرف در دولت نوری مالکی به خواست رژیم آخوندی نوشت: ما نوری مالکی و اعوان و انصارش در کمیته سرکوب اشرف را که موجب درگذشت مهدی فتحی شدند متهم می‌کنیم. ما از کنار این مسأله هرگز بی‌تفاوت نخواهیم گذشت و مرتکبین این واقعه را بدون مجازات و پیگیری آنها در دادگاههای بین‌المللی رها نخواهیم کرد.

آقای رضا الرضا رئیس هیأت شیعه جعفری عراق با صدور بیانیه‌ی درگذشت مجاهد سرفراز اشرفی مهدی فتحی را تسلیت گفت. در این بیانیه آمده است: از جانب خودم و هیأت عراقی شیعه جعفری این خبر جانگداز را که لکه ننگی است بر پیشانی عمامه به‌سران شیطان فقیه، **علی خامنه‌ای** با انواع جنایت و فساد و بر پیشانی مالکی که در گردونه جنایتکارانه خامنه‌ای می‌چرخد، به همه مبارزان در **شورای ملی مقاومت ایران** و به‌طور خاص به مجاهدین در شهر شرف، اشرف تسلیت می‌گویم.

الملف: مردم بغداد جنایت قتل مهدی فتحی را محکوم کردند



الملف - مردم بغداد جنایت قتل مهدی فتحی را محکوم کردند

مرکز اطلاع‌رسانی الملف خبر داد: مردم بغداد جنایت قتل مهدی فتحی از ساکنان اشرف را که به‌دلیل ممانعت از درمان وی توسط نیروهای نور مالکی صورت گرفت محکوم کردند.

عبدالله احمد الدلیمی از ساکنان الوزیریه در مرکز بغداد گفت: مرگ شهروند ایرانی جنایتی نابخشودنی و تجاوزی آشکار علیه سنتها و عرفهای عربی و اسلامی است. شرم بر دولت مالکی که با مهمانان عراق چنین رفتار شنیعی می‌کند و ما حاکمی به این خونریزی ندیده بودیم. وی افزود: این شهروند ایرانی سمبل همه قهرمانانی است که از کشورشان دفاع می‌کنند.

کریم عبدالحمزہ از منطقه الشعلة گفت: وقتی شنیدم که یکی از ایرانیان مقیم قرارگاه اشرف در استان دیالی به این دلیل که او را از عمل جراحی محروم کرده‌اند فوت کرده است احساس شرم کردم چرا که مردم عراق به مظلومان کمک می‌کنند و مهمان را گرامی می‌دارند. وی افزود: پایان کار مالکی بدون شک به رسوایی خواهد انجامید چرا که قاتلان و ظالمان پایان شرم‌آوری دارند.

عبدالحسین خضیر از حی الزهراء در کاظمیه معتقد است که "محروم کردن بیماران از دارو و غذا جنایتی است بزرگ". وی فوت مهدی فتحی یکی از شهروندان ایرانی در قرارگاه اشرف را "فاجعه" دانست.

مرکز اطلاع‌رسانی الملف افزود: در همین رابطه سازمانهای حقوق‌بشری عراق خواستار پایان‌دادن به تجاوزات غیرانسانی نیروهای دولتی علیه ساکنان بی‌دفاع اشرف شدند.

الملف خاطر نشان کرد: که دولت مالکی در هماهنگی با دولت ایران اخیراً دست به یک حمله بزرگ برای تصفیه مخالفین ایرانی زده است و به این ترتیب مراتب قدردانش را از رژیم آخوندی با تنگ کردن حلقه محاصره علیه قرارگاه اشرف به‌منظور به‌شهادت رساندن تعداد بیشتری از مهمانان عراق از طریق محروم کردن آنها از دارو و غذا ابراز کرد.

هیأت عربی دفاع از اشرف خواستار انتقال حفاظت اشرف به ملل متحد شد



## کمیته عربی دفاع از اشرف

بیانیه هیأت عربی دفاع از اشرف با یادآوری توطئه‌ها و فشارهای کمیته سرکوب اشرف وابسته به نخست‌وزیری عراق با بسیج مزدوران رژیم در درب جنوبی اشرف و درگذشت مهدی فتحی در نتیجه ممانعت از رسیدگیهای پزشکی به وی، تاکید می‌کند:

کمیته عربی دفاع از اشرف تمامی تلاش خود را جهت گشودن پرونده قضایی در محاکم مختلف بین‌المللی علیه مسئولین و دست‌اندرکاران جنایتهای صورت گرفته در این کمپ در بولت عراق بکار خواهد بست.

کمیته عربی دفاع از اشرف قویاً معتقد است که دولت عراق نه نیت و نه صلاحیت حفاظت از اشرف را ندارد و این امر خطیر و حیاتی باید در اسرع وقت به نیروهای آمریکایی و سازمان ملل منتقل شود.

از سوی دیگر، کمیته حقوقدانان و وکلای عراقی دفاع از اشرف طی بیانیه‌یی توطئه علیه ساکنان اشرف را محکوم کرد و خواستار لغو محاصره ظالمانه آن شد.

در قسمتی از این بیانیه آمده است: آقای مهدی فتحی پس از یکسال مقاومت در برابر بیماری سرطان و درحالی‌که کارشناسیهای کمیته سرکوب اشرف با ایجاد تأخیر چندماهه در انتقال او به بیمارستان تخصصی، بیماری او را به نقطه غیرقابل برگشت رسانده بود، درگذشت.

در قسمتی از این بیانیه به تجمع مزدوران در ضلع جنوبی اشرف اشاره شده و آمده است:

تجمع در ضلع جنوبی اشرف، یک بازی بسیار کثیف علیه ساکنان اشرف بوده است. ما حقوقدانان و وکلای دفاع از اشرف، ضمن محکوم کردن این عمل نافع عیسی، آن را قابل پیگیری در محاکم عادلانه می‌دانیم.

ما خواستار جمع‌آوری سریع ۱۴۰ بلندقو و برداشتن محاصره ظالمانه اشرف هستیم تا وکلای ساکنان اشرف بتوانند با موکلین خود دیدار داشته باشند.

## اخبار - اشرف

تاریخ: AM 9:28:38 1389/9/21

درگذشت قهرمان پاکباز مجاهد خلق مهدی فتحی در رسانه‌های عربی



مجاهد اشرفی شهید، مهدی فتحی

روزنامه الزمان خبر درگذشت قهرمان پاکباز مجاهد خلق مهدی فتحی را درج کرد و با استناد به اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت نوشت: مهدی فتحی یکی از ساکنان قرارگاه اشرف که مبتلا به بیماری سرطان بود، بعد از مقاومت در مقابل این بیماری درگذشت. سرطان به دلیل عدم درمان سریع در بیمارستانهای خارج از قرارگاه و تأخیر در موافقت نیروهای امنیتی برای انتقال او، به سرعت در جسم بیمار رشد کرد.



مرکز اطلاع‌رسانی ایلاف **عربستان سعودی** نیز با عنوان «درگذشت یکی از ساکنان اشرف به‌خاطر بیماری سرطان به‌دلیل محرومیت از درمان» نوشت: یک منبع مقاومت ایران به ایلاف گفت که ظهر روز جمعه مهدی فتحی، پس از یکسال مقاومت در برابر بیماری سرطان و درحالی‌که که کارشناسی‌های نیروهای عراقی با ایجاد تأخیر چند ماهه در انتقال او به بیمارستان تخصصی، بیماری او را به نقطه غیرقابل برگشت رسانده بود، درگذشت.

**اخبار - اشرف**

تاریخ: AM 5:08:00 1389/9/21

**تظاهرات در کینهاک - خامنه‌ای و مالکی مسئول قتل مهدی فتحی**



**تظاهرات در کینهاک - خامنه‌ای و مالکی مسئول قتل مهدی فتحی**

ظهر روز شنبه 20 آذرماه حامیان مقاومت و خانواده مجاهدین ساکن اشرف در کینهاک مقابل عفو بین‌الملل گردهم آمدند. این تظاهرات در اعتراض به جنایت وحشیانه و سبعانه دیگری توسط مالکی جنایتکار علیه قهرمانان شهر شرف که نهایتاً منجر به درگذشت برادر مجاهد و عزیزمان مهدی فتحی گردید، برگزار شده بود.

حامیان اشرف با در دست داشتن عکسهایی از مهدی فتحی پلاکاردهایی را با خود حمل می‌کردند که روی آنها نوشته شده بود: 'درگذشت مهدی فتحی سند جنایت مالکی است!'

'مهدی فتحی به‌خاطر محدودیت پزشکی در اشرف جان خود را از دست داد!'  
'بلندگوها را پایین بیاورید'،

'محاصره اشرف را الان متوقف کنید. جان بیماران اشرف را نجات بدهید!'

جمعیت با به اهتزاز درآوردن پرچم اشرف و در دست داشتن عکس ۱۱ شهید سرفراز سال گذشته با مشت‌های کوبنده شعار می‌دادند: عامل قتل مهدی، خامنه‌ای - مالکی

این سند جنایت مالکی است

ما همه حامی توایم اشرفی

توطئه خامنه‌ای-مالکی، محکوم است، محکوم است

مرگ برخامنه‌ای، مرگ بر مالکی

شکنجه روانی اشرفیان جنایت مالکی است

اشرفی قهرمان قسم به خون شهدا حمایت می‌کنیم

اشرف سلامت می‌کنیم جان را فدایت می‌کنیم

مالکی جنایت می‌کند خامنه‌ای حمایت می‌کند

مرگ برخامنه‌ای از اشرف تا تهران

مالکی خجالت خجالت خجالت

شکنجه روانی اشرفیان محکوم است محکوم است

حفاظت اشرفی، تامین باید گردد

ما زن و مرد جنگیم، اشرف‌نشان می‌جنگیم

اشرفی قهرمان ما همه با هم هستیم

ما همه با هم هستیم، اشرف بی‌شکستیم

اشرف سلامت می‌کنیم، جان را فدایت می‌کنیم

شرکت‌کنندگان در این برنامه مقاومت حماسی مهدی فتحی در برابر بیماری و یک بی‌عدالتی ظالمانه را گرامی داشته و با شعار «پیام به جان جانان ایستاده‌ایم تا پایان» عزم جزم کردند که تا اعاده کامل حقوق اشرفیان از پای ننشینند.

در این تظاهرات به جنایاتی که توسط مزدوران عراقی به‌دستور مالکی و با فرمان دیکته شده از طرف علی خامنه‌ای علیه اشرفیان صورت گرفته

اشاره شد و گفته شد تا احقاق حقوق این عزیزان از پای نخواهیم نشست، اشرافیان نور چشم ما هستند، اجازه نخواهیم داد که ذره‌ای از موی سر آنها کم شود. در این تظاهرات که در هوای ابری و سرد کپنهاک برگزار شد، هموطنانمان خواستار رسیدگی به خواسته‌هایشان از سوی دولت دانمارک و اتحادیه اروپا و جامعه بین‌المللی شدند و به ویژه بر حق حفاظت از اشرافیان توسط سازمان ملل متحد پای فشردند.



همچنین از مقامات حقوقی و دولت دانمارک لغو محاصره اشرف و تضمین حقوق ساکنان به‌عنوان افراد حفاظت شده تحت کنوانسیون ۴ ژنو و بازگرداندن مزدوران اطلاعات آخوندی از ورودی اشرف و پایان‌دادن به شکنجه روانی ساکنان را خواستار شدند. برگزاری این تظاهرات مقابل عفو بین‌الملل توجه تعداد بیشماری از شهروندانی که شاهد این برنامه بودند را به خود جلب کرده بود که دسته‌دسته می‌ایستادند و با تظاهرکنندگان اظهار همدردی می‌کردند. تعدادی از آنان با دیدن عکسهای شهدا و مجروحان اشرف و عکس مجاهد سرفراز مهدی فتحی برانگیخته شده و خشم و نفرت خود را نسبت به خامنه‌ای و مالکی و جنایاتی که توسط مزدوران عراقی بر علیه اشرافیان اعمال شده را اعلان می‌کردند.

#### [اخبار - اشرف](#)

تاریخ: PM 7:51:33 1389/9/20

گرامیداشت یاد مجاهد صدیق و پایدار اشرف، مهدی فتحی، در برابر پارلمان نروژ



#### [تظاهرات در برابر پارلمان نروژ در اسلور حمایت از اشرف](#)

هواداران مقاومت و مجاهدین به همراه خانواده‌های مجاهدین ساکن اشرف، در اعتراض به جنایاتی دیگر به دست مالکی و کمیته سرکوب اشرف و برای گرامیداشت یاد مجاهد صدیق و پایدار اشرف، مهدی فتحی، تجمع گسترده‌ایی در مقابل پارلمان نروژ در اسلو برگزار کردند.

شرکت‌کنندگان در این آکسیون که از خبر درگذشت مجاهد صدیق مهدی فتحی اندوگین بوده و اشک می‌ریختند، ولی با فریادهایی رسا شعار می‌دادند:

شکنجه روانی، علیه شهر اشرف، جنایت جنگی است  
مرگ بر مالکی، مزدور خامنه‌ایی  
ما همه با هم هستیم، اشرف بی‌شکستیم.  
مهدی ما نمرده، خامنه‌ایی است که مرده.



در ابتدای برنامه مجری آکسیون متنی را قرائت نمود که در قسمتی از آن چنین آمده:  
 امروز در مقابل پارلمان مردم نروژ جمع شده‌ایم تا یاد و نام ستاره شب‌سوز اشرفی مجاهد قهرمان مهدی فتاحی را گرامی بداریم و این مظلومیت  
 دردناک را فریاد بزنیم و به مردم و دولت نروژ بگوییم بر این جنایت اعتراض کنند.  
 ما خواهان اقدام فوری دولت نروژ برای شکستن محاصره ضدانسانی شهر اشرف و رعایت قوانین حقوق بشری و مخصوصاً کنوانسیون چهارم  
 ژنو در شهر اشرف هستیم.

در ادامه برنامه تظاهرکنندگان با اجرای جمعی سرود قسم بار دیگر با اشرفیان قهرمان تجدیدعهد نموده و پیمان بستند که در هر شرایطی حامی  
 اشرف و اشرفیان باشند.

در قسمت بعدی برنامه یکی از هواداران مقاومت متن و شعری را خواند که در قسمتی از آن چنین آمده:  
 من آن گلبرگ مغرورم که می‌میرم از بی‌آبی  
 ولی با خفت و خواری پی شبنم نمی‌گردم  
 بلاگردون آن رندم که با زخم دو صد خنجر به پهلو  
 به پیش هر کس و ناکس پی مرحم نمی‌گردم.



سیس آقای خزایی نماینده شورای ملی مقاومت در کشورهای نوردیک به ایراد سخن پرداخت و در قسمتی از سخنان خود گفت: مجاهدین و اشرفیان  
 این مبارزین بی‌همتای زمانه تاکنون از سد هر بلا و توطئه‌ای عبور نمودند و این بار هم همچون گذشته از پس چنین جنایتهای بی‌رحمانه‌ای که  
 توسط مالکی و دستان آشکار و پنهان رژیم آخوندی بر علیه اشرف در جریان است، بر خواهند آمد و من به شما بشارت می‌دهم که آن روز دور  
 نیست.



در قسمتی دیگر از آکسیون این روز پیامی توسط نماینده انجمن خانواده‌های مجاهدین مستقر در اشرف خوانده شد که در قسمتی از آن چنین آمده:  
 ما خانواده‌ها و وابستگان اشرفیان پایدار اعلام می‌داریم:  
 مرگ جانگداز این مجاهد خلق از یک سو سندی بر عمق میهندوستی و عزم سترگ فرزندان مقاوم و قهرمان مردم ایران در اشرف پایدار برای

سرنگونی رژیم پلید آخوندی و برقراری یک حکومت سکولار و دموکراتیک در ایران بوده و از طرف دیگر افشاگر جنایت خامنه‌ای و آلت دستش یعنی مالکی در حق فرزندان دلیر ایران زمین مستقر در اشرف می‌باشد. همصدا و همپیمان با آنان بر عزم خود برای سرنگونی رژیم پلید آخوندی تاکید می‌کنیم و تا نیل به آزادی و دموکراسی در میهن شیروخورشید لحظه‌ایی دست از حمایت از فرزندانمان در اشرف بر نخواهیم داشت. در قسمت پایانی برنامه در حالی که ترانه به یاد ماندنی اشرفیان ای ساربان پخش می‌شد شرکت‌کنندگان ضمن ادای احترام در مقابل تصویر مهدی فتحی، تصویر وی را گلباران نمودند.

#### اخبار - مقاومت

تاریخ: AM 9:42:39 1389/9/20

تظاهرات هواداران مقاومت در ژنو، به‌مناسبت روز جهانی حقوق بشر



تظاهرات هواداران مقاومت در ژنو، به‌مناسبت روز جهانی حقوق بشر

به‌مناسبت روز جهانی حقوق بشر، صبح روز جمعه، ایرانیان آزاده و هواداران مقاومت در شهر ژنو دست به راهپیمایی زدند و اعمال مجازات اعدام، شکنجه‌های وحشیانه و سنگسار توسط فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران را محکوم کردند.

تظاهرکنندگان سپس در مقابل مقر کمیساریای عالی حقوق بشر تجمع کرده و با شعارهای کوبنده خود، خواستار توقف اعدام و سنگسار در ایران و آزادی زندانیان سیاسی شدند. هواداران مقاومت همچنین خواستار دخالت کمیساریای حقوق بشر برای لغو فوری محاصره ضدانسانی و ظالمانه شهر اشرف به‌خصوص محاصره پزشکی آن شدند.

تظاهرکنندگان با گلباران عکس مجاهد قهرمان مهدی فتحی خاطره وی را گرامی داشتند. ایرانیان آزاده در اطلاعیه پایانی تظاهرات اعلام کردند که مسئول مستقیم درگذشت مظلومانه این مجاهد اشرفی، شخص مالکی جنایتکار است. در این تظاهرات کشیش مترقی دانیل نی‌زر، از حامیان قدیمی اشرفیان، سخنرانی کرد.





**اخبار - اشرف**  
 تاریخ: AM 6:33:28 1389/9/20

تظاهرات حامیان مقاومت در برلین

خامنه‌ای و مالکی مسئول قتل مهدی فتحی



تظاهرات حامیان مقاومت در برلین - خامنه‌ای و مالکی مسئول قتل مهدی فتحی

ظهر روز جمعه، در روز جهانی حقوق بشر، در اعتراضی شدید به یک جنایت وحشیانه و ضدبشری دیگر توسط مالکی جنایتکار علیه قهرمانان شهر اشرف که نهایتاً منجر به درگذشت برادر عزیز و مجاهدان مهدی فتحی گردید، خانواده‌ها و حامیان اشرف در میدان براندنبورگ برلین دست به یک آکسیون اعتراضی فوری زدند.

حامیان اشرف با در دست داشتن عکسهای مهدی فتحی و الهام فردی‌پور با شعار «عامل قتل مهدی، خامنه‌ای - مالکی»، «این سند جنایت مالکی است» و «مرگ بر خامنه‌ای - لعنت بر خمینی» یاد مقاومت حماسی مهدی فتحی در برابر بیماری و یک بی‌عدالتی ظالمانه را گرامی داشته و با شعار «پیام به جان جانان، ایستاده‌ایم تا پایان» عزم جزم کردند که تا اعاده کامل حقوق اشرفیان از پای ننشینند.





در این آکسیون تعدادی از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی برلین در حمایت از قیام مردم ایران و اشرف سخنرانی کرده و نقض هولناک حقوق بشر توسط آخوندهای جنایتکار حاکم بر ایران را محکوم نموده و خواستار پایان شکنجه روانی اشرفیان و تضمین حفاظت آنان شدند.



آقای آلبرت واین‌گارتنر، نماینده پارلمان برلین از حزب حاکم دموکرات مسیحی ضمن سخنانی اظهار داشت: ما مستمرا اخبار تکانه‌دهنده از زیر پا گذاشته شدن حقوق بشر در ایران را دریافت می‌کنیم. من مجازات اعدام را مطلقاً رد می‌کنم. و البته به موازات آن اعمال ترور به صورت غیرمستقیم – یعنی آن‌گونه که در رابطه با اشرف رخ می‌دهد – را نیز رد می‌کنم. آدم‌ربایی، محروم کردن افراد از رسیدگی‌های پزشکی، مجازات کردن افراد صرفاً به جرم دیدار با اعضای خانواده‌شان در اشرف، همه اینها غیرقابل قبول است. به همین منوال محاصره مواد غذایی و وارد کردن کالا و همین‌طور عدم دادن اجازه برای پخش اخبار و گزارشات پذیرفتنی نیست. این اقدامات باید بلافاصله پایان پذیرند. اکنون استقرار نیروهای سازمان ملل برای رعایت حقوق بشر در خصوص این کمپ ضروری است.



آقای هامر، نویسنده و نماینده سابق مجلس ایالتی براندنبورگ گفت: موضوع مبرم ما رفع محاصره و تضمین حفاظت برای اشرف است. رسیدگی پزشکی، امکان دسترسی به بیمارستانهای تخصصی و دارو برای بیماران ساکن اشرف باید فوراً تضمین شود.



آقای دکتر لورنس ویلکنز، کشیش کلیسای پروتستان و استاد دانشگاه برلین، در سخنرانی خود گفت: مسئولیت سرکوب مجاهدین خلق در قرارگاه اشرف کمیته‌ای است که مستقیماً زیر نظر نخست‌وزیر عراق نوری المالکی قرار دارد. ما شاهد وخیم‌تر شدن نقض حقوق بشر در رابطه با اشرف هستیم. از این مسأله به‌طور خاص بیماران صعب‌العلاج متأثر هستند که امکان پزشک متخصص و دارو از آنها سلب شده است. مالکی در صدد است تا اشرف را ببندد و ساکنان آن را به‌اجبار به صحرای دور افتاده بفرستد تا بدین ترتیب با برآورده ساختن خواست رژیم ایران، ماندن خودش در قدرت را تضمین کند.



آقای هلموت هرتسلو رئیس انجمن دوستی ایران در برلین و براندنبورگ گفت: من و دوستانم امروز در این گردهمایی شرکت کرده‌ایم تا از یکسو اعتراض شدید خودمان را به جنایتهای رژیم ایران اعلام کنیم و از سوی دیگر نیز به دولت مالکی بگوییم که این ظلمی را که در حق ساکنان کمپ اشرف و بویژه علیه بیماران آن روا می‌دارد، غیرقابل تحمل است.

خبرنگاران زیادی از جمله از خبرگزاری د.پ.آ (خبرگزاری آلمان)، خبرگزاری رویترز، تلویزیونهای آ.ا.ر. د (ARD) تلویزیون کانال یک سراسری) و ا.ر.ب.ب (Rbb) تلویزیون برلین براندنبورگ، روزنامه نویس دوچلند و تاگس ساینونگ و سایت فرایه ولت و خبرنگار آژانس عکس دیویز، به تهیه فیلم و عکس و گزارش پرداختند. کانال اینفو رادیو گزارش مستقیمی از این آکسیون را پخش کرد.



سایت فرایه ولت در این رابطه نوشت: ایرانیانی که در شورای ملی مقاومت سازمان یافته‌اند، در روز ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر، اعلام می‌کنند: «ما به این مناسبت همبستگی خودمان را با تلاش مردم ایران و ساکنان کمپ اشرف برای احقاق دموکراسی و آزادی و صلح اعلام می‌داریم. ما می‌خواهیم یک علامت واضح بفرستیم که هر کجا که مردم آزادیخواه وجود داشته باشند، در آنجا دیکتاتورها جایی نخواهند داشت و نباید خودشان را امن احساس کنند».



در یک مورد 2 دختر خانم جوان دانمارکی درحالی‌که به عکسهای قبل و بعد مهدی فتحی نگاه می‌کردند، قطرات اشک در چشمانشان جمع شده و ابراز همدردی می‌کردند و می‌گفتند که ما می‌دانیم که شما حتماً ۰۰ پیروز می‌شوید مطمئن باشید که تمام مردم دنیا از مقاومت برحق شما حمایت خواهد کرد و به‌شدت دیکتاتورهای فاشیست و خونخواری مثل خامنه‌ای و مالکی را محکوم کردند.



در پایان برنامه، تظاهرکنندگان با راهپیمایی به کلیسای بزرگ شهر رفتند و با روشن کردن شمع و گلباران عکس مهدی قهرمان یاد و خاطره اش را گرامی داشتند.

### [اخبار - مقاومت](#)

تاریخ: 1389/9/15 7:50:15 PM

### کارزار شهرداران فرانسه در حمایت از مقاومت ایران و قهرمانان اشرف



### تصاویر الهام فردی پور و مهدی فتحی بر سر در شهرداری منطقه یک پاریس

همزمان با اعلام حمایت ۵۰۰۰ شهردار فرانسوی از مقاومت ایران و حقوق ساکنان اشرف در روز ۲۴ نوامبر تصاویر بزرگ دو تن از مجاهدان خلق الهام فردی پور و مهدی فتحی از بیماران صعب‌العلاج شهر اشرف که به علت محدودیتهای ایجاد شده توسط نیروهای مالکی جانشان در خطر است، در وردی ساختمان شهرداری منطقه ۱ پاریس نصب شد. تا به‌عنوان شهادی بر جنایتهای ضدبشری آخوندهای حاکم بر ایران و دم و دنبالچه‌هایشان در عراق در معرض انظار عمومی قرار بگیرد.

همچنین شهرداریهای مختلف فرانسه بخش قابل توجهی از اخبار سایتهای اینترنتی شهر خود را به درج گزارشهای مربوط به عملکرد غیرانسانی مزدوران آخوندها در عراق اختصاص دادند.

شهرداری شهر آنماس در شرق فرانسه اعلام کرد: «کریستیان دوپسی، شهردار آنماس، مایل است حمایت خود را نثار مردم ایران و همچنین مخالفان ایرانی ساکن قرارگاه اشرف در عراق در مبارزه‌شان برای آزادی کند. وی روز ۲۷ اکتبر ۲۰۱۰ بیانیته حمایت از خیزش مردمی در ایران و حفاظت از مخالفان در اشرف را امضا کرده است». سایت شهرداری آن‌گاه آدرس سایت حفاظت و حمایت از قهرمانان اشرف را لینک کرده است.

نشریه لوژورنال از استان سون و لوآر فرانسه، در سایت اینترنتی خود نوشت: «آقای ژیلبر مورنان شهردار شهر کلسه، نامه کمیته حمایت از حقوق بشر در ایران را در نشست شورای شهر قرائت کرد. رژیم آخوندها به‌منظور دادن دست باز به خود در سرکوب ایرانیان، به‌دنبال حذف مخالفان ایرانی ساکن قرارگاه اشرف در عراق می‌باشد، و بهمین دلیل یک کارزار و بسیج بین‌المللی به‌منظور دفاع از ساکنان قرارگاه ضروری است. شورای شهر بدین ترتیب تصمیم گرفت بیانیته حمایت از مخالفان ایران در اشرف و خواستههای دموکراتیکشان را امضا نماید».

امیل بلسیگ نماینده مجلس و شهردار شهر ساورن در شرق فرانسه، در سایت خود می‌نویسد: «امیل بلسیگ در کنار تعدادی از منتخبین، نمایندگان، شهرداران، اعضای شوراهای استان و منطقه از تمامی طیف سیاسی، روز ۲۴ نوامبر در حاشیه کنفره شهرداران ریاست یک کنفرانس شهرداران همبسته با مقاومت ایران را در شهرداری منطقه یک پاریس به عهده گرفت. هدف این کنفرانس اعلام فراخوان ۵۰۰۰ شهردار به ایرانی دموکراتیک و حفاظت از مخالفان ایرانی بود. فراخوان شهرداران در پی قطعنامه مورخ ۲۴ آوریل ۲۰۰۹ پارلمانی اروپا در مورد وضعیت انسانی



شهر اشرف در عراق صادر شد که ۳۴۰۰ تن از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران، مخالفان ایرانی، در آن سکونت دارند. این جلسه فرصتی بود تا امیل بلسیگ ضرورت تضمین حفاظت بین‌المللی تحت نظارت سازمان ملل برای این افراد را خاطر نشان کند. امیل بلسیگ، که بر دفاع از آزادی و دموکراسی در ایران بسیار مصر است، بر ادامه راه آغاز شده توسط آدرین زلر تاکید دارد، که از طریق حمایت بی‌دریغ از خواسته‌های دموکراتیک مردم ایران شرکت فعالی در این امر داشت.»

سایت شهرداری تاورنی در صفحه اول خود ([www.ville-taverny.fr](http://www.ville-taverny.fr)) با عنوان «شهردار خبائثت رژیم ایران را محکوم می‌کند» با درج عکسی از حمله ژوئیه ۲۰۰۹ به اشرف می‌نویسد: «چندین منتخب استان، که در میانشان البته موریس بوسکاور شهردار تاورنی هم بچشم می‌خورد، به ابراز همبستگی با مقاومت ایران از طریق محکوم کردن قاطعانه رژیم ایران و بیرحمی‌هایش ادامه می‌دهند. به شکل یک کمیته حمایت، این منتخبین روز ۲۴ نوامبر در میدان لوور در منطقه پاریس یک تجمع کردند تا توجهات را به آخرین اقدامات ضدانسانی علیه ساکنان شهر اشرف در عراق (شمال بغداد) جلب کنند، جایی که ۳۴۰۰ تن از اعضای اپوزیسیون رژیم ایران بسر می‌برند. در واقع، محاصره غیرانسانی شهر اشرف در هفته‌های اخیر تشدید شده است. اقدامات جنایتکارانه منع دسترسی ساکنان قرارگاه به امکانات پزشکی چندین بار تکرار شده‌اند...»

نیروهای مالکی از بستری شدن اشرفیان مبتلا به سرطان در بیمارستان جلوگیری می‌کنند، مانع از دستیابی بیماران که در فاز پایانی بیماری بسر می‌برند به امکانات پزشکی می‌شوند، و یا مانع رسیدن دارو به این شهر می‌گردند...

در ادامه خبر یک عکس از حمله‌های ژوئیه ۲۰۰۹ و یک عکس از تجمع مزدوران در ورودی اشرف چاپ شده و لینکهای متعدد به سایتهایی که اخبار مفصل مضامینات علیه اشرف را درج کرده‌اند معرفی شده‌اند.

[www.ville-taverny.fr/article.php?id\\_article=۳۰۶۴](http://www.ville-taverny.fr/article.php?id_article=۳۰۶۴)

سایت شهرداری شهر ژوی لو موتیه، با عنوان «حمایت از مردم ایران» در صفحه اول خود می‌نویسد: «شورای شهر ژوی لو موتیه در همبستگی با آرمانهای دموکراتیک مردم ایران، از مخالفان ایرانی که در شهر اشرف در عراق در معرض خطر قرار دارند دفاع می‌کند». این سایت آن‌گاه لینکهای مختلف به سایتهایی را نقل کرده که جزئیات وضعیت بیماران را در اشرف منتشر کرده‌اند که توسط نیروهای عراقی مستقر در اطراف قرارگاه از دستیابی به رسیدگیهای ضروری و اورژانس پزشکی محروم شده‌اند.

.. اخبار - اشرف

تاریخ: 1389/9/8 1:28:20 PM

تظاهرات ایرانیان در مقابل پارلمان فدرال کانادا در اعتراض به ادامه محاصره اشرف



تظاهرات ایرانیان در مقابل پارلمان فدرال کانادا در اعتراض به ادامه محاصره اشرف

ایرانیان آزاده و هواداران مجاهدین در اتاوا، روز یکشنبه ۲۸ نوامبر تظاهراتی در مقابل پارلمان فدرال کانادا در اتاوا در اعتراض به ادامه توطئه‌های ضدانسانی بر علیه مجاهدین اشرف و محاصره ظالمانه آنها برگزار کردند. تظاهرکنندگان خواستار برعهده گرفتن حفاظت اشرف توسط سازمان ملل و یونامی شدند و اعلام کردند سازمان ملل و یونامی باید به شکجه روانی ساکنان اشرف که با همکاری دولت مالکی در جلوی درب اشرف توسط سیرک مالکی-خامنه‌ای صورت می‌گیرد، پایان دهند.

ایرانیان آزاده و هواداران مقاومت تشدید محدودیتهای جنایتکارانه پزشکی علیه مجاهدین اشرف و ممانعت از انتقال بیماران صعب‌العلاج به بیمارستان به ویژه جلوگیری از انتقال مجاهدین خلق الهام فردی‌پور و مهدی فتحی جهت درمان پزشکی را به شدت محکوم کردند.

اخبار - اشرف

تاریخ: 1389/9/8 1:28:20 PM

## برگزاری مراسم دعا برای بیماران اشرف در مونترال کانادا



## برگزاری مراسم دعا برای بیماران اشرف در مونترال کانادا

روز یکشنبه ۲۸ آبانماه، ایرانیان آزاده و هواداران مجاهدین در مراسمی در کلیسای سنت جرج در مونترال شرکت کرده و ضمن اعتراض به ادامه محاصره ضدانسانی اشرف و توطئه‌های دولت نوری مالکی و رژیم آخوندی علیه اشرف، برای شفای عاجل بیماران اشرف دعا کردند.

در این مراسم ایرانیان آزاده عکسهای بیماران اشرفی الهام فردی‌پور و مهدی فتحی را در دست داشتند و پدر روحانی ضمن اشاره به پناهندگان در اشرف دعا کرد که جامعه بین‌المللی به وظایف خود در زمینه حفاظت از آنها عمل کند.

### اخبار - مقاومت

تاریخ: 1389/9/5 7:42:08 PM

## سخنان فرانسوا لوگاره شهردار منطقه اول پاریس در کنفرانس شهرداران



## فرانسوا لوگاره شهردار منطقه اول پاریس در کنفرانس شهرداران

ابتدا می‌خواستم احساس خوشحالی و افتخارم را از استقبال از خانم مریم رجوی، رئیس‌جمهور ابراز کنم. همچنین به‌خاطر این‌که این افتخار و شانس را داشته‌ام که با خانم رئیس‌جمهور در دو مناسبت ملاقات کنم. در سالن موزه لورو در برنامه‌یی که برایم بسیار جالب بود و بسیار تحت تاثیر شخصیت کاریزماتیک و افق بلند پیامی که شما مطرح می‌کنید قرار گرفتم. پیام شور و انگیزش، پیام عزم و انرژی برای مبارزات دشوار و مقاومت علیه رژیم حاکم بر ایران.

در پیامی که در سالن موزه لور ارائه شد آن چه که بسیار ارزشمند و مهم بود، دفاع از ارزشهایی بود که مبلغ یک اسلام بردبار، همراه با گشایش و تعامل است. پیامی که مخاطب آن همه ما هستیم به ویژه به عنوان منتخبان مردم در جمهوری فرانسه.

ما در خاک خود با تهدیدهایی از جانب رویکردهای فاقد بردباری و افراط گرایی روبه رو هستیم. من معتقدم هر تلاشی که در جهت تشویق به تعامل بین اسلام و دیگر مذاهب باشد، پیامی است که تجسمی از آن را در موزه لور که رو به روی ماست مشاهده می کنید. همان طور که می دانید بخش هنرهای اسلام در دستور کار است به زودی در این نمایشگاه، گنجینه های دنیای تمدن اسلامی ارائه خواهد شد و به نظرم این نیز پیام مهمی از گشایش و تعامل را در بر دارد. من از این برنامه استقبال کردم همچنین به خاطر این که ایران یک کشور مهم است که نه فقط در زمینه استراتژیک بلکه به خاطر فرهنگ کهنسال ایران مطرح است و گنجینه هایی در زمینه فکری و هنری و در بسیاری از زمینه های دیگر به ارمغان آورده است.

متأسفانه اکنون چهره این کشور در پیامی که از آن جا ساطع می شود و در تصویری که در پهنه بین المللی ارائه می شود، مخدوش شده و این ناشی از عملکرد و محتوای رژیمی است که در تهران بر سر کار است.

این امر نیز موجب می شود که ما به عنوان شهروندان این جهان در پی این باشیم که از اوضاع بیشتر مطلع شویم و به ابعاد سرکوبی در کشور ستم دیده شما حاکم است پی ببریم و در جهت افشاگری و آگاهی دادن در این زمینه تلاش کنیم. زیرا در سطح جهانی به دلایل ملاحظات مختلف و تعادل قوای بین المللی و استراتژیک، اوضاع به گونه ای است که خیلی اوقات حرفها ناگفته میمانند. فکر می کنم مبارزه ای که شما دنبال می کنید خود در جهت افشای ماهیت این رژیم است و نیز در جهت برانگیختن انواع مقاومتها.

من همچنین به این دلیل از این برنامه استقبال کردم که شرایط دردناک موجود علیه ساکنان شهر اشرف را در مقابل خود داریم. در آن جا ۳۴۰۰ تن از ۱۹ ماه پیش با یک محاصره کامل مواجه هستند. آنها از هر گونه آزادی عمل و رفت و آمد محروم هستند. بعضی از آنها که بیمارند با وضعیت وخیم از زاویه بشردوستانه روبه رو هستند که ما در جلو ساختمان شهرداری تصاویر آنها را نصب کرده ایم: تصاویر الهام فردی پور و مهدی فتاحی.

آنها با بیماریهای صعب العالاجی دست و پنجه نرم می کنند. آنها مخالفان رژیم ایران هستند که با خطر مرگ مواجهند ولی از امکان رسیدگیهای پزشکی محروم شده اند.

در این زمینه یک پیام بشردوستانه مطرح هست که باید منتقل شود. این محاصره، محاصره ای دو وجهی است، یعنی از یک طرف ساکنان نمی توانند از اشرف خارج شوند و از طرف دیگر خبرنگاران و ناظران نمی توانند وارد اشرف شوند.

متأسفانه این وضعیت وخیم حقوق بشری امروز در پشت پرده ای از سکوت قرار دارد از این رو می خواهم تشکر کنم از خبرنگارانی که امروز در اینجا حضور دارند و همچنین از منتخبان مردم که می توانند به نجات این بیماران کمک کنند و نیز در جهت تغییر وضعیت برای دیگرانی که در اثر این محاصره وضعیت شکننده تری دارند. در اینجا می خواهم سلام کنم به آقای امیل بلسیگ، شهردار ساورن و نماینده مجلس ملی فرانسه که امروز ریاست جلسه را به عهده خواهد داشت، می خواستم از وی سپاسگزار می کنم و همچنین می خواهم از ژان پیر بکه شهردار اورسوراواز قدردانی کنم که او نیز از وفاداران به آرمان شماست ما باز هم شاهد شرکت کنندگان دیگری خواهیم بود که به ما خواهند پیوست، اعم از مسئولان سیاسی، پارلمانترها و شهرداران فرانسوی و ما از حضور آنها بسیار خوشحال خواهیم بود.

در خاتمه می خواستم بمناسبت برگزاری این برنامه در شهرداری منطقه اول پاریس، ما تلاش خواهیم کرد که تعداد امضا کنندگان بیانیه و توماری که تا بحال ۵۰۰۰ تن آن را امضا کردند افزایش دهیم. امیدوارم کسانی که هنوز امضا نکرده ان آن را امضا کنند تا تلاش کنیم این پیام را و این تومار را گسترش دهیم و در جهت گسترش این کارزار برای آرمانی عادلانه که شما خانم رئیس جمهور از آن دفاع می کنید.

برای شما در همه تلاشهایتان آرزوی موفقیت می کنم و امیدوارم این برنامه با موفقیت کامل روبه رو شود. البته از هم اکنون مشهود است که این برنامه با توجه میزان شرکتی که در آن صورت گرفته، یک موفقیت است و امیدوارم تداوم آن به روشنگری درباره آرمان عادلانه شما و برای درخشش هر چه بیشتر آن و برای پیروزی نهایی آن کمک کننده باشد.

اخبار - اشرف

تاریخ: PM 7:00:54 1389/9/4

به محاصره ضدانسانی علیه اشرف پایان دهید



## پارلمان آلمان

آقای لئو داتسنبِرگ، عضو هیأت‌رئیس گروه پارلمانی دموکرات مسیحی (حزب حاکم) در مجلس فدرال آلمان و سخنگوی امور سیاست‌داری این فراقسیون، در نامه‌یی برای وزیر خارجه آلمان، گینو وستروله و همچنین در نامه‌های جداگانه‌یی به نماینده ویژه ملل متحد در عراق، اد ملکرت، نماینده دولت آلمان در امور حقوق بشر، مارکوس لونینگ و سفیر آلمان در بغداد خواستار تلاش برای پایان‌دادن به محاصره ضدانسانی علیه اشرف شد.

لئو داتسنبِرگ، عضو هیأت‌رئیس گروه پارلمانی دموکرات مسیحی در مجلس فدرال آلمان، خطاب به وزیر خارجه این کشور می‌نویسد: به‌دنبال دیدار اخیر نخست‌وزیر عراق، نوری المالکی، با خامنه‌ای و احمدی‌نژاد در ایران، یگانهای نظامی عراقی محاصره علیه کمپ اشرف را که محل استقرار 3400 تن از اعضای مجاهدین خلق، مخالفان رژیم ایران می‌باشد، تشدید کرده‌اند. مسئولیت این محاصره بر عهده یک کمیته بنام و برخی واحدهای نظامی است که مستقیماً از سوی نخست‌وزیری عراق دستورات خود را دریافت می‌کنند.

از این محاصره، بیماران صعب‌العلاج به‌طور ویژه رنج می‌برند. به‌عنوان نمونه از دسترسی خانم الهام فردی‌پور، مبتلا به سرطان، به بیمارستان بغداد جهت برخورداری از شیمی‌درمانی که برای او بسیار ضروری است، برای پنجمین بار طی 7 ماه گذشته ممانعت به‌عمل آمد. همچنین آقای مهدی فتحی، مبتلا به سرطان کلیه، 6 ماه بعد از تشخیص بیماری و تجویز عمل، مورد عمل جراحی قرار گرفت، زیرا ادارات ذربیط اجازه عمل زودتر از این موعد را نمی‌دادند. صرفاً به‌خاطر این تاخیر، بیماری سرطان در بسیاری از نقاط بدن او گسترش یافته است. بعد از عمل نیز امکانات دارو و درمانهای ضروری از او دریغ شده است.

در ادامه نامه آقای لئو داتسنبِرگ، عضو هیأت‌رئیس گروه پارلمانی دموکرات مسیحی در مجلس فدرال آلمان، خطاب به وزیر خارجه این کشور آمده است:

در همین زمینه گزارش شده که پزشکان متخصص و جراحان عراقی که برای انجام عمل جراحی روی بیماران به بیمارستان اشرف آمده بودند، اجازه عمل دریافت نکردند و به همین دلیل عملهای جراحی ضروری انجام نشد. همچنین پزشکان عراقی که از بیمارستان استان دیالی برای معالجه ساکنان کمپ اشرف آمده بودند، توسط فرماندهان نظامی مورد تهدید قرار گرفتند تا کار خود را متوقف سازند.

لئو داتسنبِرگ، عضو هیأت‌رئیس گروه پارلمانی دموکرات مسیحی در مجلس فدرال آلمان در ادامه نامه خود می‌نویسد: این یک خواسته مستمر رژیم ایران از دولت عراق بوده که زندگی را برای مخالفان این رژیم در کمپ اشرف غیرقابل تحمل سازد. لذا بسیار مبرم و ضروری است که سفیران کشورهای غربی در عراق، بر حق دسترسی بیماران کمپ اشرف به بیمارستانهای عراقی و رسیدگی پزشکی متناسب انسانی برای آنها، فشار بیاورند. اتحادیه اروپا که خود را نسبت به شکل‌گیری دموکراسی در عراق متعهد ساخته است، نمی‌تواند در مقابل اعمال این خودکامگی که بدون شک از سوی رژیم تهران هدایت می‌شود، بی‌تفاوت باشد.

عضو هیأت‌رئیس گروه پارلمانی دموکرات مسیحی در مجلس فدرال آلمان در خاتمه نامه‌اش خواستار اقدام عاجل وزیر خارجه آلمان برای تامین رسیدگیهای پزشکی برای بیماران اشرف شده و تأکید می‌کند به محاصره ضدانسانی اشرف باید به‌غفوریت خاتمه داده شود و اتحادیه اروپا می‌تواند مدافع این خواستها باشد.

## اخبار - زنان

تاریخ: AM 6:40:50 1389/8/20

نمونه‌یی از اقدامات جنایتکارانه دولت مالکی در قبال زنان اشرف



## الهام فردی پور

مجاهد خلق الهام فردی پور سه‌شنبه گذشته ۱۸ آبان ۱۳۸۹ در مورد وضعیت حاد بیماری خود و فشارهای کمیته سرکوب اشرف به مجاهدان اشرف و بیماران، طی نامه‌یی به اد ملکرت نماینده ویژه ملل متحد در عراق، نوشت:

چهارشنبه گذشته بعد از ماهها معطلی و در انتظار بودن، توانستم برای این‌که بعد از ۳ سال مبتلا بودن به سرطان، تحت درمان قرار بگیرم، به بغداد بروم. دکتر معالج گفت برای ینترایی روز سه‌شنبه ۹ نوامبر بایستی مجدداً به بیمارستان مراجعه کنم و به‌مدت ۳ روز بستری شوم. در حالی که از چند شب قبل دکتر عمر هیچ مخالفتی نداشت و طبق قرارداد با اداره بهداشت دیالی من بایستی با نفر همراه بروم و ترتیب همه چیز داده شده بود، اما از شب قبل به من اطلاع دادند که بدون نفر همراه و مترجم باید ۳ روز در بغداد تحت نظر سربازان عراقی در بیمارستان شیمی‌درمانی بشوم که عوارض آن جدی است و من باید حتماً ۰۰۰۰ یک نفر پرستار و مترجم داشته باشم. کمیته و دکتر عمر عملاً برخلاف توافقی که خودشان کرده‌اند، با این کارشان مجدداً مانع درمان من و رفتنم به بغداد شدند.

کمیته اشرف و همچنین عمر خالد تمیمی، پزشک مقیم بیمارستان اشرف، بیش از ۶ ماه است که به بهانه‌های مختلف از این‌که من برای بیماری سرطان در بغداد تحت درمان قرار بگیرم، ممانعت به‌عمل می‌آورند. من ماه گذشته شخصاً در اشرف به شما مراجعه کرده و گفتم که از این وضعیت بسیار نگران هستم و کمیته و دکتر عمر عمداً می‌خواهند با تاخیر در مداوای من سرطانم به نقطه برگشت‌ناپذیر برسد و این همان اقدام جنایتکارانه‌ای است که در حق مهدی فتحی که به سرطان کلیه مبتلا بود، انجام دادند و این را همه ساکنان اشرف و ارگانهای حقوق‌بشری در دنیا مطلع هستند.

مجاهد خلق الهام فردی پور در ادامه این نامه با یادآوری نامه خود در ۱۱ مرداد ۸۹ به نماینده ویژه ملل متحد در عراق، می‌نویسد:

برای من بسیار باعث تعجب است که چرا یونانی دست به اقدامی نمی‌زند، من در اعتراض به وضعیتی که برای من به‌وجود آورده‌اند، در تاریخ ۲ اوت ۲۰۱۰ نوشتم "وقتی من اعتراض کردم، دکتر عمر خالد که مدیر بخش بیمارستان عراق جدید می‌باشد، برای تهدید و ساکت کردن من با رئیس پلیس تماس گرفت و یک گروه ۱۲ نفره مسلح وارد بیمارستان شدند، به‌طوری‌که من مجبور شدم از رفتن به بیمارستان صرف‌نظر کنم و راستش از دیدن سربازان با سلاح در بیمارستان نه تنها تعجب کردم بلکه به رفتار انسانی آنها شک کردم. بالاخره در کجا سربازان با سلاح وارد بیمارستان می‌شوند و بیماران را تهدید می‌کنند؟ بیماران در بیمارستان عراق جدید امنیت و آسایش ندارند و متأسفانه هیچ‌کس هم پاسخگو نیست".

این وضعیتی است که من به‌عنوان یک زن ساکن اشرف با آن روبه‌رو هستم. آیا شما می‌توانید به وضعیت و رنجی که من به‌خاطر نیات شوم کمیته سرکوب و فردی به‌نام صادق و دکتر عمر می‌کشم، پایان دهید؟ چرا برای مینیمم حقوق انسانی، ما زنان ساکن اشرف باید این‌قدر زجر بکشیم؟ من منتظر پاسخ شما هستم.

با تشکر  
الهام فردی پور

همچنان‌که در اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت خاطر نشان شده است، دیکتاتوری آخوندی در مانده در برابر خشم و ناراضی‌های فزاینده مردم و موقعیت بحرانی رژیم و در هراس از اشرف، از اعمال هیچ جنایتی علیه مجاهدان اشرف رویگردان نیست از جمله جنایت ممانعت از دسترسی بیماران به خدمات درمانی که با هر معیاری، در اعداد جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود و قابل تعقیب در محاکم بین‌المللی است.

مقاومت ایران، جامعه جهانی و به‌ویژه نماینده ملل متحد در عراق و دولت و نیروهای آمریکایی را بر حسب وظایف قانونی‌شان به اقدام فوری برای لغو محاصره ضدانسانی اشرف و به‌ویژه تأمین دسترسی آزاد و کامل و بدون قید و شرط ساکنان به خدمات پزشکی، فرا می‌خواند.

اخبار - اشرف

تاریخ: AM 8:35:47 1389/6/1

آلخو ویدال کوادراس خواستار لغو محاصره اشرف و نجات جان بیماران صعب‌العلاج شد



## آلخو ویدال کوادراس

آلخو ویدال کوادراس معاون رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت خواستار لغو محاصره پزشکی از قرارگاه اشرف و نجات جان یکی از ساکنان قرارگاه شد. روزنامه الزمان ضمن درج این خبر نوشت: آلخو ویدال کوادراس طی بیانیه‌ی اعلام کرد: محدودیتهای پزشکی اعمال شده علیه اشرف به‌ویژه ممانعت از انتقال بیماران صعب‌العلاج به بیمارستانهای تخصصی، نگرانیهای گسترده‌ای برانگیخته است.

یکی از این بیماران به‌نام مهدی فتحی است که به سرطان پیشرفته کلیه مبتلاست و در وضعیت بسیار وخیمی به‌سر می‌برد. پیش از این نیز به‌دلیل مانع ترافیکی برای بستری شدن در بیمارستان و تأخیر در عمل جراحی، یکی از کلیه‌های خود را از دست داده است. وی به تشخیص پزشکان متخصص عراقی هر چه زودتر باید تحت عمل جراحی قرار گیرد و هر ساعت تأخیر زندگی او را بخطر می‌اندازد. ...

## اخبار - اشرف

تاریخ: AM 5:10:56 1389/12/16

مجاهد اشرفی الهام فردی‌پور:

## افشاگری مجاهد اشرفی الهام فردی پور درمورد تبدیل بیمارستان به شکنجه‌گاه در اشرف



## الهام فردی‌پور

مجاهد اشرفی الهام فردی‌پور در بستر بیماری، ممانعت‌های ضدانسانی از معالجات ضروری پزشکی توسط کمیته سرکوبگر و عوامل نوری مالکی را افشا کرده است. توجه شما را به این روشنگری جلب می‌کنیم:

«با سلام و با تشکر از فرصت مجددی که به من دادید. من الهام فردی‌پور مبتلا به بیماری سرطان تیروئید هستم که قبلاً اشاره کوتاهی به ممانعت‌ها و کارشکنی‌هایی که در ریل درمان شده بود توسط کمیته سرکوب، توضیح دادم ولی الان لازمه که بگم این ممانعت‌ها و محدودیت‌ها از حد فقط کارشکنی گذشته و به یک شکنجه مستمر برای ما بیماران تبدیل شده. با به تأخیر انداختن ریل بیماری، ریل درمان من، روزانه فقط یک شکنجه مستمر و ما رو به یک مرگ تدریجی محکوم کردند. این بیمارستانی که به زندان تبدیل شده، تمامی امکاناتش و تمامی الزاماتش توسط نیروهای عراقی اشغال شد و تبدیل به یک زندان شد برای شکنجه مستمر ما به خیال خام خودشون بتونن یک مجاهدی که نیاز مبرم به درمان پزشکی و رسیدگی‌های پزشکی دارند رو به تسلیم وادارند که البته کور خونند و از غلط کرده خودشون پشیمون خواهند شد. من یکی از قربانیان این جنایت سرکوبگرانه هستم که توسط نوری مالکی که البته به خواسته و توافق دوجانبه‌ای که با خامنه‌ای انجام داده، من یکی از قربانیان این جنایت هستم. ریل درمان بیماری من تقریباً یکساله به طول انجامیده و من دارم یک سال از این بیماری رنج می‌برم. اینها حتی اجازه دسترسی آزاد به پزشکان متخصص رو به ما نمی‌دن و مستمراً قرارهای ما رو کنسل می‌کنند. فقط شاید بهتر باشه برای این‌که شما در جریان قرار بگیری، فقط روزهایی که به من اعلام شد که می‌تونم به اجرای قرار برم ولی بعد اون رو کنسل کردن، به اطلاعاتتون برسونم در این صورت شاید بهتر بتونید بفهمید منظور از شکنجه‌ای که در ابتدا گفتم چیه. برای مثال در 11 جولای 2010 به من اعلام کردند که می‌تونم برای قرار به بیمارستانهای بغداد برم. من رو تا دم آمبولانس بردن. ساعت 7 صبح دکتر عمر خالد تمیمی، همین مزدور اومد گفت قرارم کنسل شده به‌دلیل این‌که نمی‌تونم مترجم همراه ببرم. آخه من چطوری با دکتر متخصصی که زیوش رو نمی‌فهمم تفهیم و تفاهم کنم. ایضاً در تاریخ 24 سپتامبر 2010 قرار من رو کنسل کردند. در

30 سپتامبر ۲۰۱۰ قرارم رو کنسل کردند. فقط به همین بهونه در 7 اکتبر ۲۰۱۰ قرار من کنسل شد که نفر همراه و مترجم نمی‌تونم با خودم ببرم. در 14 اکتبر ۲۰۱۰ قرارم رو کنسل کردند. در 9 دسامبر ۲۰۱۰ قرارم رو کنسل کرد. در 27 دسامبر ۲۰۱۰ قرارم رو کنسل کرد. یعنی تمامی قرارهای من رو به همین عنوان آخوندی، به همین بهونه آخوند ساخته که نمی‌تونم مترجم همراه خودم ببرم، قرارهای من رو کنسل کردند و بعد از اون هم هیچ قراری به من داده نشد. پس از کنسل کردن قرارهای من بعد از مدتی به من یک قرار دادند که می‌تونم برای یک آزمایش به بیمارستان بغداد برم. به بیمارستان بغداد رفتم. آزمایش انجام شد. اسکن توسط اشعه شد. دکتری که این کار رو انجام داد، تأکید که من باید مدتی اونجا بمونم تا اثر دارو از بین بره اما متأسفانه اکیپ حفاظتی که برای به اصطلاح حفاظت ما اومد، به این موضوع توجه نکرد. من و بیماران رو در یک آمبولانس با هم یکجا گذاشت و این باعث وخیم‌تر شدن حال من و خطر برای بقیه بیماران شد. که البته از اونها هم بیش از این انتظار نبود، چون اونها هدفشون شکنجه ما بود. در مسیر حال من بد شد. وقتی به همین بیمارستان مراجعه کردم، دکتری که کشیک اونجا بود، گفت که به دستور دکتر عمر اجازه بستری شدن اونجا ندارم چون از پیش به اون اطلاع ندادم. چطوری میتونستم اطلاع بدم وقتی تو مسیر حالم بد شد؟ آخر این‌جا کجاست، بیمارستانه یا زندانه یا شکنجه‌گاه؟ این‌جا کجاست، باغ وحش مزدوران و شکنجه‌گران روحی و روانی انسانها؟! آخه چطوری یک دکتر بالای سر بیمار نمیداد و وضعیتش رو چک نمی‌کنه؟ ای ننگ بر شما که این‌جا رو تبدیل به زندان با شاخصها و الگوهای زندانهای رژیم کردین که فقط یک مجاهد خلق رو به تسلیم وادارید، اونهم با شکنجه پزشکی و با حربه پزشکی. فقط مجاهدی که جرمش ایستادن در مقابل رژیم طلسمشکسته است، برای حق و حقوق خودش و مردمش، ای ننگ و مرگ بر شما.

اجازه بدین یک نمونه دیگه‌ای رو براتون بگم. در دو نوبتی که من رو برای اجرای قرار به بغداد بردن، مزدوری به نام ستوان دوم فارس مسئول اکیپ حفاظت ما بود. این فرد از ساعت 7 صبح که ما رو از اشرف برد، تا ساعت 5 بعدازظهر که به اشرف برگردوند، اجازه نداد که حتی نون و آب خالی توسط پول خودمون خریداری بشه. یعنی به مدت 10 الی 11 ساعت بیماران سرطانی را گرسنه و تشنه نگاهداشت. از چی می‌ترسید؟ البته که خیلی روشن و واضحه که چرا اون مجاهد خلق از حق خودش و خلقت ذره‌ای کوتاه نمیداد. چون حاضر نیست به این شرایط ولی‌فقیه طلسمشکسته تن بده و تسلیم بشه.

نمونه دیگه براتون بگم یک بار که قرار بود من و 7 بیمار دیگه رو به بغداد ببرن، در یک آمبولانس ما رو نگاهداشتن، آمبولانسی که از مینی‌بمهای استاندارد هم برخوردار نبود. بیماران رو روی یک صندلی پلاستیکی به مدت 3 الی 4 ساعت نشوندن به طوری که با هر ترمز این ماشین بیماران روی کف آمبولانس می‌افتادن و این علاوه بر دردهایی بود که خودشون داشتن. اما قسمت دردناک قضیه وقتی بود که وقتی به اشرف برگشتیم، به همین بیمارستان به اصطلاح بیمارستان و زندان تحت ریاست عمر خالد، تمامی مدارک پزشکی ما از ما گرفته شد. همین باعث شد که تمامی پیگیریها، تمامی رسیدگیهای ویژه و تمامی دستورالعملهایی رو که توسط دکتر متخصص به ما داده شد، به پزشکان ما نرسه و پزشکان ما در جریان قرار نگرفتن و رسیدگیهایی که می‌بایست می‌شد، نشد. بعد از او هم قرارهای ما رو کنسل کردن. آخه این فرد عمد خالد تمیمی پزشکها یا شکنجه‌گر که در لباس سفید پزشکی سیاهترین مقاصد شوم رژیم خمینی رو داره به ما اعمال می‌کنه؟ چه جوریه که با یک بیمار سرطانی، اون هم زن، چنین رفتاری داره میشه؟ خو به که بدونین در اطراف شهر اشرف نزدیک به 210 بلندقو توسط همین کمیته و با پشتیبانی همین سربازها کار گذاشته شده که نزدیک به 100 تایی اون در اطراف همین بیمارستان که تحت ریاست دکتر عمر خالد. وقتی به اون به همین اعتراض کردیم و گفتیم به عنوان رئیس بیمارستان تو میتونی اعتراض کنی، این کار پیگرد قانونی داره در هر جای دنیا کنار بیمارستان تابلوی بوق زدن ممنوع و رعایت‌های خاص خودش رو داره، تو چرا به این کار اعتراض نمی‌کنی، مشخصاً گفت که اینها اجازه دارن و حق دارن این کار رو بکنن چرا که از طرف دولت یعنی از طرف نوری مالکی اجازه گرفتن. آخر چطوریه که بیماران سرطانی و صعب‌العلاج بایستی 24 ساعته توسط بلندگوهای قوی مورد اهانت و توهین قرار بگیرن؟ ای مرگ بر خاмене‌ای و ای مرگ بر تمامی گماشته‌هاش در دولت مالکی، هر کس با هر لباس و با هر اسمی که هست ای مرگ بر شما.

برای این‌که بدونید، من چندین بار به مقامات آمریکایی و به نمایندگان یونانی اعتراض خودم رو چه حضوری و چه مکتوب نوشتم و گفتم ولی متأسفانه اونها هیچ اقدام جدی انجام ندادن. بنابراین از همین جا به این مزدور میگم ای مزدور، تو تمام تلاشت رو کردی که به هر نحوی که شده با حربه پزشکی که با فشار وارد کنی ولی از این لحظه به تو میگم که ما نه به شکنجه‌های تو تن میدیم و نه کوچکترین نیازی به این اقدامات ضدانسانی که در پوش پزشکی داری می‌کنی، نیاز داریم. از همین‌جا داریم بهت می‌گیم این بیمارستان این شکنجه‌گاه و این زندانی که دایر کردی، باید تخته بشه و درش بسته بشه و تمامی اقلام اون به ما برگردونده بشه و این اقلام قرار بود در خدمت به ما باشه نه در شکنجه به ما. در انتها باید بگم این ولی‌فقیه طلسمشکسته و این لانه جاسوسیش که سفارت‌خونه‌اش هست، داره تمامی فرامین و دستورها رو به کمیته صادر می‌کنه تا شاید به خیال خودش بتونه مجاهدین رو به تسلیم و اداره اما ای طلسمشکسته و ای ولی‌فقیه طلسمشکسته، مجاهدی که سوگند خورده، مجاهد اشرفی قسم خورده، وقتی جایی برایش به شکنجه‌گاه تبدیل بشه، عین همون شکنجه‌گاههای رژیم باهاش تنظیم می‌کنیم و از شما برای ما عین همون شکنجه‌گران و دژخیمانید و دیگه ما حرفی با شما نداریم. از همین جا من و همه خواهرانم و برادران بیمارم اعلام می‌کنیم که از این پس هیچ‌گونه مراجعه‌ای به این شکنجه‌گاه نخواهیم داشت و از این پس هیچ‌گونه رسیدگیهای پزشکی رو نمی‌پذیریم.

لازمه که بدونین اینها تماماً جنابیت جنگیه و ما بهرغم همه فشار و بهرغم همه عواقبی که این بیماری برای ما داره و خطراتی که اون هست برای ما، اون رو با سربلندی و با افتخار و با گشاده‌رویی می‌پذیریم تا یک بار دیگه به تو ای ولی‌فقیه ثابت کنیم سخت در اشتباهی، اشتباه محاسبه داری با مجاهدین. بهتره روشن کنم که حالا حالا که این ولی‌فقیه طلسمشکسته لیه بر نگاه رسیده، دم موشش توی تله پشت درب اشرف گیر افتاده راه پس و پیش نداره. حالا که ما بیماران اشرفی رو اینقدر تحت فشار گذاشتی که برای ما جبهه جنگ دیگه‌یی باز کردی، بهت می‌گیم که بیا، بیا و بجنگ تا بجنگیم. بین ما و این مزدورانی که لباس پزشکی تن خودشون کردن، حالا هر لباسی، لباس نظامی یا لباس پزشکی تن خودشون کردن، هیچ حرفی دیگه باقی نمونده. ما حرفمون با اونها مشخصه: بجنگ تا بجنگیم.

با توجه به اقدامات ضدانسانی نیروهای عراقی که به ما اشرفیها اعمال میشه و با توجه به مسئولیت نیروهای آمریکایی و ملل متحد که سر حفاظت اشرف، از اونها می‌خوام که مداخله کنند و جلوگیری کنند از ضایعات انسانی که در اشرف داره صورت می‌گیره. ما از شما هیچ چیز نمی‌خوایم نه پول می‌خواهیم نه پشتیبانی می‌خواهیم ما هیچ چیز نمی‌خواهیم فقط می‌خواهیم اجازه دسترسی به خدمات پزشکی داشته باشیم اونهم با تمام هزینه خودمون همین و بس.

**اخبار - اشرف**

تاریخ: 9/13/1389 7:08:46 PM

## فراخوان عفو بین الملل در مورد محدودیتهای پزشکی اعمال شده بر ساکنان اشرف



## فراخوان عفو بین الملل در مورد محدودیتهای پزشکی اعمال شده بر ساکنان اشرف

عفو بین الملل در فراخوان جدید خود نوشت:

از: عفو بین الملل

به: متخصصان بهداشت و پزشکی

اطلاعیه فراخوان به عمل

موضوع: محدودیتهای پزشکی اعمال شده بر روی تبعیدیان ایرانی از جمله پناهندگان

گزارشها حاکی از آن است که صدها ایرانی تبعیدی، از جمله پناهندگان، ساکنان کمپ اشرف در عراق، در شمال بغداد، به دلیل محدودیتهای پزشکی اعمال شده توسط مقامات عراقی، از عوارض جدی بیماری رنج می‌برند.

طی ۵ ماه گذشته، وضعیت وحشتناک پزشکی در کمپ، بسا بیش از گذشته خراب شده است. گزارش شده است که تعداد کثیری از آنها که از بیماریهایی همچون سرطان، مشکلات قلب، بینایی، کیسه صفرا، مشکلات استخوانی، سنگ کلیه و سایر امراض رنج می‌برند که در صورت عدم مداوای سریع و مناسب ممکن است در وضعیت برگشت‌ناپذیری قرار گیرند.

کمپ اشرف که در ۶۰ کیلومتری شمال بغداد قرار دارد، محل استقرار حدود ۳۴۰۰ تن از اعضا و هواداران گروه اپوزیسیون ایرانی، سازمان **مجاهدین خلق ایران** (پی.ام.او.آی) می‌باشد. اعضای این سازمان قریب به ۲۵ سال است که در آنجا زندگی می‌کنند و اکنون تبدیل به شهر کوچکی شده که دارای مغازه‌ها و سایر تسهیلات می‌باشد.

کمپ اشرف از آوریل ۲۰۰۳ تا اواسط ۲۰۰۹ تحت کنترل نیروهای آمریکایی بود. سپس دولت عراق بر اساس شروطی که در قرارداد "سوقا" قید شده بود، حفاظت آن را به عهده گرفت. عراقیها پس از امضای قرارداد با دولت آمریکا، حفاظت کمپ را به عهده گرفتند. طبق موادی که در قرارداد سوقا آمده بود، نیروهای آمریکایی از شهرهای عراق خارج می‌شدند. از زمانی که این انتقال مسئولیت صورت گرفته است، ساکنان کمپ که نیاز به درمان پزشکی دارند با مشکلات بسیاری برای دستیابی به امکانات برای درمان پزشکی خودشان چه در داخل یا خارج کمپ، مواجه بودند چرا که کمپ مذکور توسط نیروهای امنیتی عراق در محاصره قرار گرفته است. یک کمیته عراقی که مسئول تمامی امور مربوط به کمپ می‌باشد، اکنون گفته می‌شود که مسئول تصمیم‌گیری برای مداوای پزشکی است. اعضای این کمیته خودشان تصمیم می‌گیرند که چه کسی می‌تواند به بیرون از کمپ برای ملاقات با پیگیری تخصصی کند و چه کسی نمی‌تواند. همین کمیته ورود کالا به داخل اشرف را نیز کنترل می‌کند. مضافاً این‌که نیروهای عراقی با کارهایی همچون نصب بلندگو و پخش پیام و موزیک با صدای بلند، زندگی را برای ساکنان اشرف سخت کرده‌اند.

به دلیل فقدان مداوای پزشکی مناسب برای بیماریهای مشخصی در بیمارستانی که در مجاورت کمپ قرار دارد، بعضی از ساکنان مجبورند که پیگیری درمانیشان را در بیمارستانهای تخصصی بغداد یا مناطق کردنشین عراق انجام دهند. به هر حال، عفو بین الملل گزارشهایی را دریافت کرده است که تأکید می‌کند بیمارانی که قرار پزشکی در بیمارستانهای بغداد داشته‌اند، نتوانسته‌اند که قرارشان را اجرا کنند چرا که نیروهای امنیتی عراقی به بیماران اجازه نداده‌اند که کسان دیگری همچون مترجم همراهشان باشد.

اکثر بیماران در کمپ به زبان عربی تکلم نمی‌کنند چرا که زبان مادری آنها فارسیست بنابراین بدون حضور مترجم آنها نمی‌توانند با دکترها در عراق صحبت کنند. گزارشها حاکی از آن است که بیمارانی که به سایر جاها برای درمانشان رفته‌اند، بدون تشخیص بیماریشان یا مداوا برگشته‌اند چرا که مترجمی حضور نداشته است. همچنین گزارش شده است که بیمارانی که مشکل تحرک داشته‌اند، به دلیل عدم وجود صندلی چرخدار یا تختهای ویژه، از تردد آنها ممانعت به عمل آمده است. مقامات عراقی از ایجاد تسهیلاتی از این سنخ خودداری کرده‌اند.

تأخیر در مداوا موجب مشکلات جدی طول‌المنتی را برای تعداد زیادی از افراد ایجاد کرده است. گزارش شده است که الهام فردی پور، یک بیمار زن که از سرطان تیروئید رنج می‌برد، نتوانست در بغداد مورد معالجه قرار گیرد چرا که اجازه همراه شدن مترجم یا پرستار با وی را ندادند، نتیجه این شد که وی در کمپ بماند به جای این‌که تنهایی برای اجرای قرارش تردد کند. چشم‌انداز وضعیتش اکنون نامعلوم است اما بدون یک معالجه سریع، سرطان وی در حال گسترش خواهد بود. مضافاً این‌که ۶۰ تن دیگر از ساکنان اشرف نیاز به چک و تشخیص پزشکی توسط



متخصص قلب برای سایر مشکلات متعدد قلبیشان دارند. تعدادی نیاز به جراحی دارند تا از مشکلات بعدی که در اثر حمله‌های قلبی ممکن است ایجاد شود، جلوگیری شود.

بدرقاری با بیماران توسط نیروهای عراقی نیز گزارش شده است. سربازان با توسل به زور، بیماران را از بیمارستان جابه‌جا کرده و یا این‌که بدون اجازه بیمار وارد اتاق آنها شده‌اند. در بعضی موارد نیز درگیریهای لفظی با بیماران داشته‌اند. در یک مورد به‌طور مشخص، یک سرباز، بیماری را که به تازگی از عمل جراحی برگشته بود، مورد ضرب‌وشتم قرار داده است که باعث غش کردن بیمار شده است.

لطفاً سریعاً به ارگانه‌های ذیل بنویسید:

- توضیح دهید که شما یک متخصص پزشکی بوده و نسبت به حقوق بشر نگران هستید،
- از دولت عراق بخواهید تا فوراً محدودیتهای درمانی بر اشرف را بردارد،
- از مقامات عراق بخواهید تا آنها نسبت به نیازهایی که ساکنان به معالجه تخصصی دارند، اقدام کرده و به ساکنان اجازه داده شود که سریعاً کمپ را برای رسیدگیهای درمانی در هر محلی که مناسب است، ترک کنند.
- از مقامات عراقی بخواهید تا اجازه دهند که بیماران، خودشان مترجمین را براساس نیاز خودشان انتخاب کرده و به مترجمین نیز اجازه داده شود که به همراه بیماران حضور یابند تا در زمان اجرای قرار با متخصصان پزشکی این امر تسهیل یابد.
- از مقامات بخواهید تا تسهیلات را برای پزشکان متخصص فراهم نمایند که آنها کارشان را بدون این‌که خوفی از تلافی‌جویی نیروهای عراقی داشته باشند، انجام دهند.
- از نیروهای عراقی بخواهید تا به بدرقاری و سوء رفتارشان با بیماران خاتمه داده و اجازه دهند تا بیماران به‌طور خصوصی دکترهای خودشان را ببینند.



الزمان افزود: کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت، اقدامات دولت عراق در ممانعت از دسترسی ساکنان اشرف به خدمات پزشکی را قویاً محکوم نموده و قابل تعقیب می‌داند. به‌طور خاص این دولت را مسئول جان آقای فتحی می‌داند. کمیته خواستار مداخله فوری دولت و نیروهای آمریکایی و سازمان ملل برای دسترسی آزادانه و بی‌قید و شرط ساکنان اشرف به عموم خدمات پزشکی در سراسر عراق است.»

**اخبار - اشرف**

تاریخ: AM 9:29:39 1389/10/5

شرکت حامیان اشرف در نیایش کریسمس در مونتreal - کانادا



شرکت حامیان اشرف در نیایش کریسمس در مونتreal - کانادا

ایرانیان آزاده و هواداران مقاومت و حامیان اشرف در مونترال در شب کریسمس، جمعه ۲۴ دسامبر با شرکت در مراسم دعا و نیایش ویژه این ایام یاد مجاهد صدیق مهدی فتحی را با در دست داشتن عکس او گرامی داشته و همچنین برای بیماران اشرف به‌خصوص خواهر مجاهد الهام فردی‌پور که تحت محاصره پزشکی اشرف از بیماری سرطان رنج می‌برد دعا کردند.

در این مراسم پدر روحانی ضمن اشاره به وضعیت اشرف گفت: ایرانیانی که اینجا حضور دارند برای ساکنان کمپ اشرف در عراق که محصور هستند دعا می‌کنند که در آن بیش از ۳۵۰۰ ایرانی پناهنده وجود دارد.

پدر روحانی به نامه رئیس اسقفهای کاتولیک کانادا در این زمینه اشاره کرد و گفت در واقع اسقفها و سایر مقامات در سراسر جهان برای رفع محدودیتها و ارائه خدمات پزشکی مورد نیاز نامه نوشته‌اند. اخیراً یکی از آنها، مهدی فتحی، به‌دلیل همین شرایط درگذشت. بنابراین ما همراه با دیگران در سراسر دنیا برای آنها دعا می‌کنیم.



[اخبار - اشرف](#)

تاریخ: AM 7:10:38 1389/9/15

بررسی محاصره ظالمانه اشرف

در اجلاس رسمی مجلس اعیان انگلستان



[مجلس اعیان انگلستان](#)

در اجلاس رسمی مجلس اعیان انگلستان، نقض وحشتناک حقوق بشر در ایران، اعمال تحریمهای جهانی علیه برنامه اتمی رژیم و محاصره ظالمانه اشرف در اثر اعمال نفوذ رژیم ایران بر دولت مالکی با حضور نماینده دولت انگلستان مورد بحث قرار گرفت.

در این بحث پارلمانی، که با سخنرانی قدرتمند لرد کوربت آغاز شد، اعضای عالی‌رتبه مجلس اعیان از احزاب اصلی بریتانیا، خطاب به لرد هولز وزیر مسئول و نماینده دولت انگلستان، سوالات متعددی را پیرامون کارنامه نقض حقوق بشر توسط رژیم آخوندی به‌عنوان «بدترین نمونه در سطح جهانی»، و درباره محاصره اشرف و اعمال محدودیت‌های ضدانسانی برای بیماران اشرف توسط کمیته سرکوبگر تحت امر نوری مالکی و نقض تعهدات دولت عراق در مورد رعایت استانداردهای انسانی در مورد اشرف، مطرح کردند و بر مسئولیت دولت انگلستان به‌عنوان عضو مهم نیروی چندملیتی؛ لزوم اجرای حفاظت‌های کنوانسیون چهارم ژنو در مورد اشرف؛ رفع بلادرنگ محاصره اشرف و محدودیت‌های ضدانسانی، و فراهم کردن الزامات سفر هیأتی از اعضای دو مجلس اعیان و عوام انگلستان به اشرف تأکید کردند.

....

یک نمونه بی‌شرمانه و غیرانسانی این موارد در ۱۰ نوامبر بود وقتی عراق مانع سفر خانم الهام فردی پور ۴۴ساله به بیمارستان بغداد برای معالجه سرطان تیروئیدش شد

### الهام فردی پور



مقاله تقریر نت در مورد اعمال فشارهای دولت مالکی و کمیته سرکوب اشرف

AM 7:54:05 1389/8/26 ◀

خبرگزاری تقریر نت یمن طی مقاله‌ای در مورد محدودیتها و اعمال فشارهای دولت مالکی ...

جزئیات ▶



تظاهرات هواداران مجاهدین در ونکوور، در اعتراض به توطئه‌های ضدانسانی علیه ساکنان اشرف

PM 4:08:09 1389/8/25 ◀

روز یکشنبه ۱۴ نوامبر ایرانیان آزاده و هواداران مقاومت ایران تظاهراتی در مرکز شهر ...

جزئیات ▶



کارزار دفاع از اشرف - تظاهرات هواداران مجاهدین در مونترال کانادا

PM 3:16:25 1389/8/25 ◀

هواداران مجاهدین و ایرانیان آزاده در مونترال کانادا، روز یکشنبه ۱۴ نوامبر و در ...

جزئیات ▶



### محدودیت‌های اعمال شده علیه ساکنان اشرف "تکانه‌دهنده" و "شرم‌آور"

PM 3:12:58 1389/8/25 ◀

کمیته پارلمانی ایران آزاد در انگلستان، متشکل از ۱۲۰ عضو از همه احزاب در مجلسین ...

▶ جزئیات



### الیزابت سیدنی نسبت به اذیت و آزار بیماران اشرف اعتراض کرد

PM 3:12:58 1389/8/25 ◀

خانم الیزابت سیدنی، رئیس سازمان "زنان برای ارتقای آزادی و برابری در سراسر جهان" ...

▶ جزئیات



### به‌خاطر کمپ اشرف و پناهندگان ایرانی، عراق مورد اتهام قرار گرفت

AM 6:47:03 1389/8/25 ◀

سایت بی.بی.سی جهانی ۸/۲۲/۸۹: «دولت عراق به‌خاطر خودداری از دستیابی آزادانه به ...

▶ جزئیات



تظاهرات در تورنتو - کانادا در اعتراض به محاصره ظالمانه و محدودیتهای پزشکی در اشرف

AM 6:51:57 1389/8/24 ◀

روز شنبه ۱۳ نوامبر هواداران مجاهدین و مقاومت ایران تظاهراتی در میدان لستمن ...

جزئیات ▶



نمونه‌یی از اقدامات جنایتکارانه دولت مالکی در قبال زنان اشرف

AM 6:40:50 1389/8/20 ◀

مجاهد خلق الهام فردی پور سه‌شنبه گذشته ۱۸ آبان ۱۳۸۹ در مورد وضعیت حاد بیماری خود ... .. جزئیات ▶

1 2

**حمید اسدیان ( کاظم مصطفوی )**

**در نقش سفید سازی قتل و شکنجه های رجوی ... و سفر به آلبانی و قراگاه گیتی**

حمید اسدیان که خود در نشست طعمه سال ۸۰ در اشرف حضور داشت و از قضا برای چک وضعیت من هم به اف ام ما و دوسه روز باهم در نشست ها بودیم همراه با محمد اقبال، تمام جزئیات نشست مهدی افتخاری را می دانند. او و سازمان که یک گرامیداشت یا شعر یا مقاله و ... یک خط و یک کلمه درباره مهدی افتخاری ننوشته است. در آلبانی به سراغ هادی تعالی می آید و با او به گفتگو می پردازد؟. این عکس ها دونه با هادی هم، متعلق به پایگاه گیتی ( اشرف ۳ ) است که یک دانشرا در خارج از شهر بوده و بدلیل پرت افتادگی از حومه شهر و غیر قابل استفاده بودن آن، بطور موقت به سازمان مجاهدین کرایه داده شده است.

علت این گفتگو و دیدار هم بدلیل اطلاعاتی بود که هادی تعالی داشت. او از زندانیان در سال ۷۳ بود و مدتی هم در زندان قلعه هم

اتاق ما بود. اما پیش از اینکه به اتاق ما بیاید با قربانعلی ترابی در زندان مهمانسرا هم اتاق و شاهد شکنجه های خودکشی او بوده است. خود هادی تعالی نفری بود که درب حمام را می زد و شکنجه تا فهمیدند که قربانعلی در حمام خود کشتی کرده است پس از شکنجه هادی تعالی به زخمهای او می رسید! آیا مفهوم است چنین رسیدگی به هادی تعالی و فرستادن حمید اسدیان برای گفتگو، برای حفظ چه اطلاعاتی بوده است؟. هادی تعالی هم از ۲۸ آبان ۹۳ در کمپ بابر بود و در ظاهر هم از مواضع سازمان دفاع می کرد. اما در محفل های خود با دوستان خیل نزدیک، خیلی از چیزها را می گفت. علنی کردن بیماری او در لیبرتی هم آش ریخته بود که نذر امام زاده شد، زیرا کمیساریا از بیماری او مطلع شده و جزء بیماران اعزامی بود! آقای حمید اسدیان اگر می خوانید بقول خودتان: «در آلبانی با بیش از 50 نفرشان گفتگو کردم که حاصلش مجموعه ای شد به نام «صدای بی صدایان باشیم». سازمان و ماشین تبلیغاتش در سراسر جهان در تناقض با این فضا سازی هایی است که می کنید. شما که در یوتیوب ویدئوی: «نمایی از امکانات و قدرت مجاهدین خلق» را بنمایش می گذارید! چطور این کمدی درام «صدای بی صدایان باشیم» را بازی می کنید؟. سازمان و افرادش در آلبانی به خبرنگاران اجازه ورد به پایگاه و مصاحبه نمی دهند! آیا به مضحک بودن عبارت پردازیهای خود واقف هستید! صدای بی صدایان مربوط به افراد پروژه رفع ابهام و زندانهای ۷۳ و کشته ها و سربه نیست و شکنجه شدگان در اشرف ... است که بی نام، بی چهره و بی صدا می میرند و آنچه ولو هر چند کوچک در این نوشتار، جزئی از تل این آوار آمده است:

..... [اخبار - مقالات - مقاله](#)

تاریخ: PM 2:43:40 1394/6/2

این پروانه را نکشید! - حمید اسدیان



هادی تعالی - حمید اسدیان

هادی تعالی، پروانه ای که می سوخت  
و نمی توانستیم برایش کاری کنیم  
جز آن که در انتظار معجزه های باشیم

این پروانه را نکشید! برای

من او را می شناسم

خانه اش در بیشه ای پرت است

که شمعهای سوخته را دفن کرده اند.

و می دانم بعد از هر باران

بر روی گلبرگها

با شبنم و نجابت قرار دارد.

این پروانه را که مردنی است  
در ظهر ساکت سکوت نکشید!

### پروانه‌ای که تسلیم نشد! (در سوک هادی تعالی)

در اردیبهشت ماه گذشته توفیقی پیدا کردم و سری به آلبانی زدم. نه برای سیاحت که به قصد زیارت یارانی که بعد تحمل سالهای متمادی رنج و درد با سرفرازی از «لیبرتی» به «آلبانی» منتقل شده بودند. دیدار هر یک از این قهرمانان شرف و پایداری بیش از هر چیز درس آموز بود. در واقع با خواهران و برادرانی مواجه شدم که بعد از یک نبرد سخت و جانکاه، که مالکی و عمله و اکره‌اش، به آنها تحمیل کرده بودند پیروز شده و به میدان دیگری از نبرد منتقل شده بودند. و البته این پیروزی به بهای خون بسیاری بود که شهید شدند و بسیاری دردها که خودشان به جان خریدند. هر یک قصه‌ای و داستانی هستند که سرفرازی نسلی تسلیم نشده را رقم می‌زنند... به هر حال در مدتی که آنجا بودم همواره با خودم این جمله امه سزر را تکرار می‌کردم که «شاعر باید صدای بی‌صدایان باشد» و در یک گفتگوی درونی با خود، و امه سزر، می‌گفتم چرا این افتخار باید تنها متعلق به شاعران باشند. و آیا نباید در تعریف انسان آگاه و انقلابی گفت: «انسان باید صدای انسان بی‌صدا باشد»؟ این بود که پای حرفهایشان نشستیم. با بیش از 50 نفرشان گفتگو کردم که حاصلش مجموعی شد به نام «صدای بی‌صدایان باشیم».

یکی از کسانی که با او گفتگو کردم هادی تعالی بود. او را برای اولین بار در سالن عمومی پایگاهی که در آن زندگی می‌کرد دیدم. قبلاً با هم آشنایی نداشتیم. اما با خوشرویی و خونگرمی بسیاری جلو آمد و با من دیده بوسی کرد. با صدایی خفه و گرفته گفت: می‌بخشی من نمی‌توانم بلند صحبت کنم.

بعد که رفت شهرام معرفی‌اش کرد. شصت سالی سن دارد و علت این‌که نمی‌تواند بلند صحبت کند سرطان ریه‌ای است که چهار سال است او را رنج می‌دهد. صدایش «خفه» بود اما خودش با لبخند و چشمانی هوشیار پیام از سرزندگی می‌داد. شهرام گفت: چندی پیش برده بودمش دکتر. به قدری سرحال بود که دکتر ابتدا فکر کرد من بیمار هستم. وقتی هم به او گفتم که بیماری که باید ویزیت شود هادی است باور نکرد. به‌خصوص وقتی پرونده‌اش را خواند زد زیر گریه. دکتر او در آلبانی یک دکتر مسلمان به نام دکتر علی است. فرد بسیار روشنی است. هریار که هادی را می‌بیند گریه می‌کند. می‌رود همکارانش را صدا می‌کند تا بیایند و هادی را ببینند. و هادی با همان صدای خفه و گرفته قاه قاه می‌زند زیر خنده.

چند روز بعد شهرام گفت وضعیت هادی بسیار خطرناک است. یعنی کار از پیگیری و شیمی‌درمانی و این مسائل گذشته. باید فقط منتظر بود تا «کی رسد اجل؟». من هم داشت گریه‌ام می‌گرفت. یکی دیگر از دوستانش برایم تعریف کرد که راضی کردن هادی به آمدن به آلبانی مصیبتی بوده است. در یک نشست عمومی همه را به گریه می‌اندازد. هر کاری می‌کنند راضی نمی‌شود بیاید. زار زار می‌گریسته و می‌گوید من می‌دانم مدت زیادی به عمرم باقی نمانده. ولی می‌خواهم همین جا میان شما بمیرم. و حالا به این‌جا آمده است. در کارهای جمعی بسیار فعال است و ورزشش قطع نمی‌شود.

روزهای بعد با هادی «اخت» شدم. کار زیاد مشکلی نبود. به قدری گرم و خوش صحبت بود که بیشتر زحمت در تنظیم رابطه را او می‌کشید. با او صحبت کردم و از او خواستم مقداری از وضعیت خودش در همین سالهای اخیر بگوید. گفت و شنیدم و می‌خواستم خون بگیرم. و می‌خواستم نه یک بار که صدمبار صورت و دست و پایش را غرق بوسه کنم. (نوار صحبت‌هایش را پیاده کرده‌ام که در پایان همین نوشته می‌خوانید)

روزهایی که نصیبم شده بود به پایان رسید. باید باز می‌گشتم. در حالی که قلبم نزد تک به تک خواهران و برادرانم تکه‌تکه شده بود. روز آخری که آنجا بودم چهارشنبه‌ای بود مصادف با میلاد امام زمان. در پایگاه جشنی برپا بود و قرار بر «شام جمعی» بود. در سالن هادی را دیدم. نجیب و ساکت نشسته بود و تلویزیون را تماشا می‌کرد. با هم گپی زدیم. چند بار سعی کرد و از شرم سرخ شد. می‌دانست که راهی هستم. با شیطنت لبخندی زد و با صدایی که به سختی شنیده می‌شد گفت: بیا برویم یک شطرنجی با هم بزنیم می‌خواهم ببرم! بیشتر نتوانست حرفی بزند. رفتیم و بساط را چیدیم. او دست به تهاجم زد. اما من مگر در آنجا بودم؟ همه به این فکر می‌کردم که روز آخری است که هادی را می‌بینم. شب بعد از باختی که به هادی داشتیم در یادداشتهای روزانه‌ام نوشتم: از بس این بشر نجیب و شریف است تمام دستگاه فکری و عاطفی آدم به هم می‌ریزد. به او نگاه می‌کردم و بغضی در درونم منفجر می‌شد. تصور این‌که این همه نجابت و شرافت را از دست بدهیم آدم را گیج می‌کند. احساس می‌کردم یک سرمایه‌یی از این جهان بی‌شرافت کم می‌شود. دلم نمی‌خواست او را ببینم و خاطره‌ای از او ببندوزم. دلم نمی‌خواست حتی به چهره‌اش نگاه کنم و به چشمهایش خیره شوم. مثل شمشیر برنده بودند. دلم می‌خواست و احساس می‌کردم ظرفیت این‌که روزی را ببینم که او نباشد را ندارم.

این بود که شعر «این پروانه را نکشید» به او تقدیم کردم و در نهانخانه‌ام محفوظ مخفی‌اش کردم بی‌آن که دلم بیاید به کسی بگویم. چه می‌توانستم بکنم؟ روزهای بعد حتی یک روز نبود که بیاید او به‌سر کنم. در یادداشتهای روزانه‌ام نوشته‌ام: «دردناک است. بسیار دردناکتر از شهید شدن یکی از برادرانم. ای کاش می‌شد و می‌توانستم برای او کاری کنم. با تمام دل و قلبم می‌گویم ای کاش چشمی یا کلیه‌ای و یا خونی نیاز داشت و به او می‌دادم. شاید که مفید بود برایش».

تا این‌که اجل در رسید و خبرش را شنیدم. با چشمی اشکیار و قلبی پرکینه نسبت به قاتلان او که آن قدر رنجش دادند. یقین دارم که می‌توانیم از همه رنجهای فردی خود بگذریم. اما اجازه نداریم از جلادان و خائنان در گذریم. اجازه نداریم فراموش کنیم که نفس کشیدن ما در این وادی چقدر مدیون صدای خفه هادیها است. و با تمام وجود باید صدای او باشیم که گفت: «تا آخرین نفس، زنده باد انقلاب، زنده باد مجاهدین» شب هادی را دیدم. با او حرف زدم و تجدید پیمان کردم. و صبح نوشتم: «به مقوله‌ای که نام «هادی تعالی» از موضعی دیگر نگاه می‌کنم. هادی راهی «خانه دیگر» است. چه فرقی با ما دارد؟ ما هم همگی راهی خانه دیگر هستیم. منتها هادی در رفتن یک زمان نسبی را در اختیار داشت و ما کمتر و یا به‌صورت پنهان و مخفی روانیم. پس رفتن او نباید زیاد دل سوز باشد. اگر که یقین داشته باشیم او به «خانه دیگر» می‌رود و ما هم از پی او روانیم. این دید به من آرامش می‌دهد. هدر نشدن. بریاد رفتن. برعکس به جاودانگی رسیدن. محو شدن در تمام هستی. و هستی جدید یافتن. هادی

پیشتر است. خوش به حالش که سرفراز می‌رود. بکوشم من نیز چون او بروم. در «خانه دیگر» با هادی شطرنج بازی خواهیم کرد و حتماً او را خواهیم برد. بعد می‌خندیم و دفعه بعد او مرا خواهد برد. در خانه دیگر هادی با صدای بلند برایم حرف خواهد زد».



### تا آخرین نفس، زنده باد انقلاب، زنده باد مجاهدین (شهادتنامه هادی تعالی)

**هادی تعالی:** من متولد 1333 در شیراز هستم. از فاز سیاسی با سازمان آشنا و فعال بودم. ولی ارتباطم قطع شده بود و در نتیجه 7 سال فراری بودم. تا این‌که در سال 67 با قاچاقچی به عراق و اشرف آمدم. در فاصله این چند سال دو سه بار به مدت کوتاه زندان بودم. به بهانه این‌که در خانه‌ام برای مجاهدین سلاح مخفی کرده‌ام. یا دستگاه تکثیر نشریه داشته‌ام. خانه‌ام را زیر و رو کردند و با خود بردند. گذشت و من به اشرف رسیدم. سالم بودم و کار می‌کردم. (با شیطنت می‌خندد و می‌گوید خیلی هم شیطان بودم) تا این‌که آمریکایی‌ها به عراق آمدند. ما در واقع محاصره شدیم. (به شدت سرفه می‌کند و عذرخواهی می‌کند که نمی‌تواند بلند حرف بزند) من برخی علائم بیماری را در خودم می‌دیدم ولی به من اجازه رفتن نزد دکتر متخصص را نمی‌دادند. تا این‌که در 2012 نوبت من شد و به بغداد برای ویزیت رفتم. دکتر گفت دو تومور توی ریه‌ام گسترده شده و امکان زنده ماندنم بسیار کم است. باید شیمی‌درمانی می‌کردم. ولی مگر اجازه می‌دادند؟ تازه سهمیه ما مگر چقدر بود؟ دیگرانی بودند که نسبت به من الویت داشتند. بالاخره نوبت شیمی‌درمانی رسید. من نیاز به 4 ساعت شیمی‌درمانی داشتم. ولی مأموران همراه ما که از استخبارات بودند به دکتر گفتند ما نمی‌توانیم 4 ساعت صبر کنیم. سرم را از دستم کشیدند و به تخت خودم برگرداندند. کاری نمی‌شد بکنم. آمدم به کمیساریا شکایت کردم. جوابی ندادند. دو ماه بعد، مجدداً، نوبت شد و به بیمارستان رفتم. این بار سرعت سرم را زیاد کردند. به جای 4 ساعت یک ساعته شیمی‌درمانی شدم. اما نمی‌شد. تشنج می‌گرفتم و کار انجام نمی‌شد. هر بار با یک بهانه‌ای. به بیمارستان رفتن هم برایم مصیبت بود. هربار بقدری من را توی آفتاب داغ معطل می‌کردند که وقتی به بیمارستان می‌رسیدیم وقت گذشته بود. دکتر رفته بود یا قسمت مربوطه تعطیل شده بود. بی‌نتیجه برمی‌گشتیم. 11 بار به بهانه‌های مختلف من را سر خواندند. یک بار گفتند مترجم نیست. یک بار گفتند خودرو خراب است و یا دکتر عمل دارد و از این قبیل بهانه‌ها. بچه‌های خودمان برایم یک مصاحبه با رسانه‌های عربی ترتیب دادند. من وضعیت خودم را تشریح کردم. استخباراتی‌ها مقداری ترسیدند و گفتند این بار سر ساعت می‌بریم بیمارستان. اما وقتی برنند که دیگر دیر شده بود. کار از کار گذشته بود. دکتر گفت با این وضعیت باید در بیمارستان بستری شوی. ولی نگذاشتند بستری شوم. با زور برم گردانند. آمدم دو بار دیگر به کمیساریا شکایت‌نامه نوشتم. ولی هیچ کاری نکردند. وضع روز به روز وخیم‌تر می‌شد. 25 کیلو از وزنم کم شده بود. اما هر بار برای یک بیمارستان رفتن باید سه ساعت تمام زیر آفتاب جلو در می‌نشستم و منتظر می‌ماندم. استخباراتی‌ها علناً می‌گفتند اینقدر ترا این‌جا نگه می‌داریم تا از همین بیماری بمیری. یا دست از مبارزه و سیاست و سازمان بردار. دست از کارهایت بردار. تو را به خارج می‌فرستیم تا درمان شوی. بعد برای در باغ سبز نشان دادن می‌گفتند درخواست داده‌ایم که بهداری کمپ قبول کند تو از امکانات بهداری استفاده کنی. حالا بهداری کمپ چه بود؟ هیچ امکاناتی نداشت حتی یک کپسول اکسیژن برای بیمارانی که وضعیت حاد و حمله آسمی داشتند نداشت. تنها فرصتی که به هر بیماری می‌داد یک خشاب پاراسیتول بود. با وجود مزدوران عراقی ولم نمی‌کردند. می‌گفتند بیا برو خارج آنجا امکانات درمانی برای معالجه هست دست از مبارزه بردار! من هم صراحتاً به آنها می‌گفتم: من تمام زندگی‌ام را در راه مبارزه گذاشته‌ام. این هم بخشی از مبارزه من است. من جانم را کف دستم گذاشته‌ام و حاضر نیستم میدان را ترک کنم. در این میان وضع روز به روز وخیم‌تر می‌شد. تقریباً 7 ماه نتوانستم پایم را از تخت به زمین بگذارم. دو نفر همیشه زیر بغلم را می‌گرفتند. وزنم شده بود 48 کیلو. نزدیکترین دوستانم هم نمی‌توانستند من را تشخیص دهند. درد واقعاً گاهی خسته‌ام می‌کرد. گاهی حتی یک مسکن هم نداشتم. به هرکس هم نامه می‌نوشتم می‌گفت دست از مبارزه بردار و بیا برو خارج! من هم می‌گفتم حسرت یک آه را هم به دل‌تان می‌گذارم. مجاهد بوده‌ام و مجاهد هستم و مجاهد خواهم مرد!

وقتی هم که به لیبرتی رفتیم وضعیت بدتر شد. فشارها افزایش یافت. نه تنها در مورد من که در مورد همه بیماران. بیش از 30 نفر بیمار سرطانی و صعب‌العلاج داشتیم. همگی‌شان تحت فشار بودند. از انجام یک عکسبرداری معمولی هم ممانعت می‌کردند. در سال 2011 یادم هست که بیش از 400 نفر منتظر آزمایش و عکسبرداری بودند. مأموران دولت عراق اجازه نمی‌دادند به بیمارستان برویم. روز به روز وضعیت بیماران بدتر می‌شد. ما 7 بیمار سرطانی بودیم که هر لحظه ممکن بود جانمان را از دست بدهیم. تقی عباسیان و مهدی فتحی از همین بیماران بودند که هر دو شهید شدند. در واقع زجرکش‌شان کردند. مهدی فتحی را دیر و با تأخیر بسیار زیاد یک سال و نیمه به دکتر رساندند. مهدی با درد و رنج بسیار شهید شد. خواهری بود به نام فاطمه. سخته کرده بود و باید حتماً به بیمارستان بغداد منتقل می‌شد. قبلاً هم سخته کرده بود. در سخته آخر دست و پایش فلج شده بود، سخته مغزی باعث شده بود علاوه بر دست و پا سیستم فک و دهانش فلج شود. نمی‌توانست حرف بزند و غذا بخورد. از طریق کبد به او مواد تزریق می‌کردند. او با تکان دادن سر جواب می‌داد. می‌خواستند او را به آلبانی بفرستند. اما دکترها گفتند نمی‌شود او را با هواپیما حرکت داد. باید از طریق زمینی به خارج فرستاده می‌شد که این امکان هم اصلاً وجود نداشت. چند نفر هم بعد از این‌که به آلبانی منتقل شدند به‌خاطر تأخیر در مداوای‌شان شهید شدند. خواهرم رویا درودی تومور مغزی داشت. این قدر کش دادند که در حال کما به آلبانی رسید و بلافاصله هم شهید شد. خواهر دیگرم راضیه کرمانشاهی و فریده ونایی بودند. هر دو آنها طوری بودند که اگر به موقع اقدام می‌شد زنده می‌ماندند. آخرین نفری که در آلبانی شهید شد برادرم اصغر شریفی بود. به ظاهر رفع خطر شده بود. اما بر اثر ترکش‌های موشک‌باران در لیبرتی حالش وخیم شد



و بهزودی شهید شد. یک روز حساب کردم دیدم 25 نفر از دوستانم به خاطر ممانعت از رسیدگی پزشکی جان‌شان را از دست داده‌اند. جنایتی که آخوندها با دست مالکی مرتکب شده‌اند یک جنایت تمام شده نیست. آثار و بقایای فشارها که همگی جنایتی علیه بشریت بوده‌اند هنوز هم ما را رها نکرده است. همین الان ما 7 بیمار سرطانی هستیم که باید روزانه تحت نظر پزشک باشیم. الان من دوازده بار شیمی‌درمانی شده‌ام اما شیمی‌درمانی جواب نداده و هنوز در همان وضعیت اورژانس هستم... اما با تمام قلبم می‌گویم چه یک روز زنده باشم، چه هزار یا هزاران روز دیگر، دشمن باید آرزوی تسلیم من و ما را با خود به گور ببرد. من در میان مجاهدین و با شعار «زنده باد انقلاب، زنده باد مجاهدین» جهان را ترک خواهم کرد.

**اخبار - مقاومت - اشرف و لیبرتی**

تاریخ: AM 8:12:02 1394/5/19

بیست و ششمین شهید محاصره ضدانسانی پزشکی:

**درگذشت مجاهد خلق محمد هادی تعالی در آلبانی**



**مجاهد شهید محمد هادی تعالی**

غلغلی اندر جهان انداختیم  
آتشی اندر دل خلقمان زدیم  
شورش بر عاشقان انداختیم  
مجاهد اشرفی، محمد هادی تعالی، با بیش از 40 سال سابقه مبارزه در برابر دو دیکتاتوری، ظهر روز شنبه 17 مرداد، در اثر ابتلا به سرطان ریه و لطمات جانکاه محاصره ضدانسانی پزشکی در اشرف و لیبرتی و جلوگیری دولت عراق از انتقال موقت وی به اربیل، در بیمارستان در آلبانی جان باخت.

مجاهد خلق هادی تعالی فرزند دلیر مردم کازرون، متولد اسفند 1333، از دهه 50 به هواداری از مجاهدین برخاست و به همین خاطر توسط ساواک دستگیر و متعاقباً از کارخانمایی که در آن کار می‌کرد اخراج شد. وی در سالهای قیام و انقلاب ضدسلطنتی، از پیشگامان اعتصابها و مبارزات کارگران در قزوین بود و پس از انقلاب به نبرد ضدارتجاعی علیه دیکتاتوری آخوندی برخاست.

هادی تعالی در مصاحبه با سیما آزادی در 4 مرداد 89 خاطرات خود از دوران مبارزه سیاسی با رژیم خمینی را بیان کرد و گفت: سال 60 دیدم حزب‌اللهیها خواهری را با چماق به‌شدت می‌زدند. برای دفاع از او رفتم خودم را هم دستگیر کردند و به کمیته بردند. تو کمیته که بودم دیدم این خواهر را آورده‌اند و با قنداق ژ-3 آن‌قدر این را زده بودند که جای سالمی رو بدنش نمانده بود. من آن‌روز هر طوری بود از اونجا فرار کردم. چند شب بعد که در یکی از باغات شهر مخفی شده بودم، دیدم بچه‌ها را آوردند؛ سه تا از هم‌رزمام و اون خواهر رو. بستند به درخت و اونها رو اعدام کردند. موقعی که اونها را اعدام کردند همه یکصدا شعار مرگ بر خمینی سردادند. این صحنه‌ای است که هیچ‌وقت از یادم نمی‌ره و همونجا با خودم عهد بستم که تا آخرین قطره خونم و تا آخرین انتقام خون اونها رو بگیرم. همونجا و همونشب من با خودم عهد بستم و روی قلبم حک کردم؛ مرگ بر رژیم خمینی و درود بر رجوی.

هادی تعالی که بیست و ششمین شهید محاصره ضدانسانی در اشرف و در لیبرتی است، طی سه دهه در صفوف مجاهدین و ارتش آزادی و به‌ویژه در دوران پایداری در اشرف، در همه کارزارها دلیرانه جنگید، در جریان حماسه ایران در 6 و 7 مرداد 88 در برابر حمله وحشیانه مزدوران رژیم به اشرف دلاورانه پایداری کرد و به‌شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و مجروح شد اما با ایستادگی و پایداری همراه با هم‌رزمانش توطئه‌های رژیم آخوندی و مزدوران عراقی‌اش علیه مجاهدان اشرفی را به شکست کشاند.

مجاهد خلق هادی تعالی، در شمار متخصصان برق و راه‌اندازی و تعمیرات ژنراتورها در لیبرتی نقش ارزشمندی در کارزار مقاومت در برابر محدودیتها و محاصره ضدانسانی و تأمین نیازهای ضروری هم‌رزمان مجاهدش داشت.

از سال 1392 پزشکان در بغداد تشخیص دادند او مبتلا به سرطان ریه است و توصیه کردند برای معالجه به اروپا یا اربیل منتقل شود. اما نه تنها تلاشهای نمایندگان ساکنان برای انتقال او به اروپا یا اربیل بی‌نتیجه ماند، بلکه محدودیتهای ظالمانه و تأخیر و تعلل عمدی نیروهای عراقی برای

درمان او در بغداد، بیماری او را وخیمتر کرد. دهها نامه‌های الهی و نمایندگان ساکنان و گزارشهای روزانه لیبرتی در این باره خطاب به مقامهای ملل متحد و مقامهای آمریکایی نقش دولت عراق در زجرکش کردن او را به خوبی برملا می‌کند.

نماینده ساکنان در روز 2 آوریل 2014 در نامه به نیکلاس ملاندنف، نماینده ویژه دبیرکل در عراق، برای چندمین بار خواستار انتقال سریع هادی تعالی به اروپا برای معالجه شد. وی تأکید کرد اگر چنین امکان سریعی وجود ندارد از دولت عراق بخواهد مانع انتقال او به اربیل برای معالجه نشود. نماینده ساکنان یادآور شد در هر یک از این دو حالت همه هزینه‌های انتقال و درمان او توسط مجاهدین پرداخت خواهد شد.

کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت در گزارش به شورای امنیت در ژوئیه 2014 تصریح کرد: «آقای هادی تعالی از 9 ماه پیش از سرطان ریه رنج می‌برد. ساکنان درخواست کرده‌اند که برای معالجه به اروپا و اگر ممکن نیست به اربیل منتقل شود. اما بهرغم وعده‌های کمیساریای عالی پناهندگان، او هنوز به اربیل منتقل نشده است».

در 17 ژوئن 2014 نماینده ساکنان، هادی تعالی را جزو «بیمارانی که در شرایط کنونی انتقال آنها از عراق از اولویت بسیار بالا برخوردار است» برای کمیساریای عالی پناهندگان ارسال کرد و نوشت: «از شما می‌خواهم آنها را هر چه سریعتر به یک کشور اروپایی ولو به‌طور موقت منتقل نمایید».

هادی تعالی در 25 ژوئن 2014 به حقوق‌بشر یونانی نوشت: «دو هفته است ریل درمانی‌ام به‌دلیل ممانعت دولت عراق از تردد ما به بغداد متوقف شده است... با این کارشکنیها و محدودیتهای دولت عراق بیماریم در حال پیشرفت است و امید به بهبودیم هر روز کمتر می‌شود لذا از شما می‌خواهم که تا دیر نشده، مداخله کنید».

در 19 سپتامبر 2014 به نماینده ویژه دبیرکل نوشت: «امروز با خبر شدم یکی از دوستانم به نام تقی عباسیان... زجرکش شد. من... از نزدیک شاهد زجر و دردی که برای اجرای یک قرار پزشکی متحمل می‌شود، بوده‌ام. خودم هم در معرض چنین شکنجه‌ای از طرف عوامل نخست‌وزیری سابق عراق مستقر در کمپ بوده و هستم. برای من مسجل است... اگر تقی عباسیان مبنیم دسترسی آزادانه به خدمات درمانی درحد یک شهروند عادی را داشت سالهای بیشتری زندگی می‌کرد و این‌قدر زجر نمی‌کشید... آیا من هم باید به سرنوشت او دچار شوم. من بارها در نامه‌های متعدد نوشته‌ام وضعیت کنونی من و پیشرفت سرطانم به‌دلیل همین محاصره ظالمانه بوده، اولاً در تشخیص بیماری آن‌قدر تأخیر شد که بیماری پیشرفت کرد ثانیاً در ریل درمان... آن‌قدر مورد آزار و اذیت قرار گرفتم که درمان برای من کشنده‌تر از سرطان شده است. به‌طور مثال هر بار که برای شیمی درمانی می‌رفتم، اولاً به‌دلیل تأخیرات عمدی عوامل نخست‌وزیری در خروجی کمپ با تأخیر بسیار به بیمارستان می‌رسیدم، ثانیاً هر بار همین عوامل که همراه ما برای شکنجه بیشتر ما می‌آمدند فشار می‌آوردند که پروسه تزریق 4ساعته در 2ساعت انجام شود که نتیجه آن شوک و دردهای وحشتناک بود که خود یک شکنجه برای من شده بود».

... شما تعهد داده بودید که ما در کمپ موقت لیبرتی که اکنون نزدیک به سه سال از عمر آن می‌گذرد دسترسی آزاد به خدمات پزشکی داشته باشیم که نه تنها خبری از آن نیست بلکه بیشتر ابزاری برای شکنجه و زجرکش کردن بیماران است. آیا وقت آن نرسیده که مجریان این محاصره ضدانسانی از کمپ اخراج شوند... لطفاً به خودتان اجازه ندهید تا شاهد مرگ جانگداز دیگری در لیبرتی در اثر این زندان‌سازی و محاصره ظالمانه از طرف عوامل استخبارات که به‌جا مانده از دولت سابق هستند باشید».

مجاهد خلهادی تعالی در آبان 93 برای معالجه به آلبانی منتقل و در بیمارستان بستری شد.

به‌رغم دردهای جانکاه و فشارهای طاقت‌فرسایی که مزدوران رژیم در کمیته سرکوب در نخست‌وزیری عراق بر مجاهدان اشرفی وارد می‌کردند، اما او همراه با هم‌زمانش مقاومت تا فراسوی جان و روان را برگزید و این مسیر را سرفرازانه پیمود. اما به‌دلیل پیشرفت بیماری ناشی از تأخیر در معالجه، تلاشهای پزشکان مؤثر واقع نشد و سرانجام مجاهد قهرمان محمد هادی تعالی، پس از سالها ایستادگی و پایداری شوک‌همند در برابر محاصره ضدانسانی و بیماری، با سرفرازی به عهد خود وفا کرد و به هم‌زمان شهیدش پیوست.

پاسخ مجاهد قهرمان هادی تعالی به عهد پرچم در لیبرتی و ابلاغیه چراغ خاموش در آستانه فروغ جاویدان حسینی:

جواب من به اتمامحجت پرچم فروغ و ابلاغیه ترک لیبرتی اینست: هزار بار هیهات منا الذله  
ایکاش به جای یک جان هزار جان داشتم و همه را در راه و رکاب رهبری برادر مسعود و خواهر مریم می‌دادم که باعث افتخار و سربلندی نه تنها خود بلکه خانواده و تمام اجدادم است  
محمد هادی تعالی ۹۳/۸/۱۰

در ماه مبارک رمضان امسال، او که در سخت‌ترین شرایط بیماری بود، با عزمی انقلابی و توحیدی برای مجاهدت در راه خدا و خلق و آزادی ایران از چنگال استبداد شوم دینی نوشت: بارالها در شرایط خطیر و سرنوشت‌ساز و حساس خاصی هستیم آنچه ارتجاع و استعمار برای ما تهیه دیده بودند و کمر به آن بستند که از ما اثری باقی نماند با پوش‌های مختلف از کشتار مستقیم تا فروپاشی نرم کیدشان به خود برگشت و به یمن رهبری مسعود و مریم رسوای خاص و عام شدند  
با این‌که دکترها جوابم کرده‌اند مرا چه باک ولی اگر فرصتی و امانی باشد بزرگترین نکرده و تعهدم همانا رساندن خواهر و برادر به تهران است می‌خواهم محقق کنم و خودت می‌دانی آرزوی چند ده ساله من است آن هم برای خلقی اسیر و در زنجیر و در انتظار

ولی باز هم

می‌گویم هر چه مشیت توست گردن خواهم گذاشت الهی الک الحمد و لک الشکر

محمد هادی تعالی ۹۴/۴/۱۷

موضوع بعدی که می‌خواهم بگم به قیام‌آفرینان مردم و جوانان ایران هست. بدونید این مبارزه‌ای که ما می‌کنیم، بیش از صد سال ریشه در خاک میهنمون داره. از زمان ستارخان، باقرخان، میرزای جنگل، و تا مصدق کبیر و تا حنیف کبیر و تا مسعود و مریم. مصدق کبیر در بیدادگاه رژیم گفت اونجا که منافع مملکت باشه، اونجا که منافع میهنم باشه، نه پدر دارم نه مادر دارم نه پسر دارم و نه دختر. و دژخیم به تو می‌گم اونجا که منافع خلقمونه، اونجا که منافع آزادی میهنمونه، نه پدر دارم، نه مادر دارم، نه فرزند دارم، هیچ‌کس، فقط وطنم و آزادیشه که جلوی رویم دارم.

دژخیم! تو بما می‌گویی محارب! آری افتخار می‌کنیم که محاربیم. با کمک همین قیام‌کننده‌ها تو را سرنگون خواهیم کرد. منتظر باش همین روزها مثل عقاب بالای سرت فرود خواهیم آمد.

رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت، خانم مریم رجوی، با درود به روان پرفتوح و رزم‌پایدار مجاهد خلق‌های تعالی گفت: سلام بر او که در صفوف رنجبران و کارگران ایران برای آزادی علیه دیکتاتوری پیشین به پاخاست و راه **مجاهدین خلق ایران** را برگزید، در صفوف مجاهدین و نبرد آزادیبخش با فاشیسم دینی، دلیرانه چنگ در چنگ شد و در سالهای سخت نبرد و پایداری در اشرف و لیبرتی به عهد خود با خدا و خلق وفا کرد.

خانم رجوی با تسلیت به مجاهدان اشرفی و ستایش از مقاومت و صبر و شکیبایی بیست و ششمین شهید محاصره ضدانسانی، دولت آمریکا، یونانی، کمیساریای عالی پناهندگان و دولت عراق را به اقدام فوری برای پایان دادن به زندان‌سازی و محاصره ضدانسانی لیبرتی که از مصادیق جنایت علیه بشریت است فراخواند و افزود: ممانعت‌های صورت گرفته در درمان به موقع بیماری‌های تعالی، یک جنایت آشکار است و به‌خاطر همین فشارها، به گفته خودش، درمان برایش کشنده‌تر از سرطان و شوک و دردهای وحشتناک‌اش به یک شکنجه تبدیل شده بود، اما در این رویارویی نیز رژیم ولایت‌فقیه را به شکست کشانید.

این است راه و رسم یک مجاهد ایمان و آرمان که بیماری و شهادت‌اش نیز یکسره نبرد است و پیامش یقین و امید.

**اخبار - مقاومت - اشرف و لیبرتی**

تاریخ: PM 4:17:13 1394/5/17

درگذشت مجاهد خلق محمد هادی تعالی در آلبانی، بیست و ششمین شهید محاصره ضدانسانی پزشکی



**مجاهد شهید محمد هادی تعالی**

مجاهد اشرفی، محمد هادی تعالی، با بیش از 40 سال سابقه مبارزه در برابر دو دیکتاتوری، ظهر امروز در اثر ابتلا به سرطان ریه و لطمات جانکاه محاصره ضدانسانی پزشکی در اشرف و لیبرتی در بیمارستان در آلبانی جان باخت و به دیگر هم‌زمان شهیدش پیوست. وی از مصدومان حملات وحشیانه 6 و 7 مرداد سال 88 به اشرف بود که در آبان 93 برای معالجه به آلبانی منتقل و در بیمارستان بستری شد. مجاهد خلق هادی تعالی فرزند دلیر مردم کازرون، متولد اسفند 1333، از دهه 50 به هواداری از مجاهدین برخاست و به همین خاطر توسط ساواک دستگیر و متعاقباً از کارخانگی که در آن کار می‌کرد اخراج شد. وی در سالهای قیام و انقلاب ضدسلطنتی، از پیشگامان اعتصابها و مبارزات کارگران در قزوین بود.

هادی تعالی که بیست و ششمین شهید محاصره ضدانسانی در اشرف و در لیبرتی است، طی سه دهه در صفوف مجاهدین و ارتش آزادی و به‌ویژه در دوران پایداری در اشرف، در همه کارزارها دلیرانه جنگید و سرانجام پس از چند سال ایستادگی و استقامت شکوهمند در برابر محاصره ضدانسانی و بیماری، با سرافرازی به عهد خود وفا کرد و به هم‌زمان شهیدش پیوست.

خانم رجوی، با تسلیت به مجاهدان اشرفی و ستایش از مقاومت و صبر و شکیبایی بیست و ششمین شهید محاصره ضدانسانی، دولت آمریکا، یونانی، کمیساریای عالی پناهندگان و دولت عراق را به اقدام فوری برای پایان دادن به زندان‌سازی و محاصره ضدانسانی لیبرتی که از مصادیق جنایت علیه بشریت است فراخواند.

**اخبار - مقالات - مقاله**

تاریخ: AM 6:38:19 1394/5/19



مجاهد شهید محمد هادی تعالی

آدم‌هایی را در این جهان می‌یابی که نخستین پل رابطه‌شان با دیگران را با ساده بودن به مثابه: زلال، صمیمی، مهربان، افتاده می‌سازند. اینان وجود و حضورشان خلاصه‌یی از ارزشهای زیبا و ستودنی‌ست. اینها - که خیلی هم کم‌یاب‌اند - معماران پلی هستند که هرگز نمی‌شکنند. داستان این پل، همان رمز و رازی‌ست که بسیار اندیشه‌ها و قلم‌ها، خواسته‌اند فلسفه‌اش را در قالب‌های رنگارنگ کتاب‌ها، فیلم‌ها، ترانه‌ها و حکایتها تبیین کنند، به بلوغ برسانند و بشناسانند. این پل، پرده‌یی از نمایش در عرصه‌ی حیات آدمی‌ست که هرگز بسته نشده، نیفتاده و تاریک نخواهد شد.

هادی تعالی در زمره‌ی آنهایی‌ست که با پرتوهای تابنده خوبی‌های زینده‌شان، برای دیگران خاطره و ارزش می‌سازند. آنان که جلوه‌های زندگی را جلا می‌دهند. آنها که با عبورشان از گذرگاههای تلخ و شیرین روزگاران، لحظه‌های بودنشان را بدل به بارقه‌های حسرت می‌کنند. آنان که در سایه‌سار کوچه - باغ‌های خاطرشان، آرام و شکیبیا، زمزمه می‌کنیم:

«فرصت شمار صحبت، کز این دورا راه منزل

چون بگذریم دیگر نتوان به هم رسیدن» (حافظ)

آنان که دل‌تنگی برایشان، جامه‌ی اندوه و غم سکوت نیست. دل‌تنگی‌هایی هستند عمق‌یابنده، ژرف‌نگر و زیبایی‌ساز؛ نه از آن‌گونه که «آسمان پرستاره، نادیده‌شان می‌گیرد». (مارگوت بیکل)

سلسله زنجیرهای ارباب بی‌مروت دنیا، سالهاست به کمین صید کردن میسران آزادی ایران‌زمین نشسته است. هادی هم در سلک دیگر خواهران و برادران بیمار و مجروح در اشرف و لیبرتی بود که تاریک‌اندیشان عرصه‌ی سیاست‌پیشه‌گی و دایره‌منشینان پلشت قدرت، همراه با دست‌آمران آخوندهای ابلبس در عراق، از تطاول روح و جان و هستی‌شان، چیزی کم نگذاشتند. اما شان و منزلت هادی، حلقه‌ی در قلعه‌ی ارباب بی‌مروت دهر را نکوبید.

«مرو به خانه‌ی ارباب بی‌مروت دهر

که گنج عافیتت در سرای خویشتن است» (حافظ)

قبل از رفتنش به آلبانی، به دیدارش رفتم. مثل همیشه سرحال و بگو و بخند بود. از آخرین وضعیتش پرسیدم. گفت: «قرار داده بودن بریم بغداد. رفتیم جلو در، اما عراقی‌ها نگذاشتند بریم. سر مترجم، بازی درآوردن و قرار کنسل شد». نشستم کنارش و دست انداختم دور شانه‌اش. به سختی و بریده بریده حرف می‌زد. خواستم آرام و شمرده حرف بزنم. گفت: «بی‌خیال! دکتر این‌جاست (با کف دست زد به سینه‌اش). یاد محسن انصاریان افتادم. او هم آن آخریها نمی‌توانست راحت حرف بزند. محسن هم در محاصره‌ی سنگ‌دلانه‌ی، روز 27 مرداد 90 در اشرف درگذشت.

انسانهایی هستند که وقتی ترک می‌کنند - حتا در زنده بودنشان - چون برق حادثه‌یی به انتهای آرزوها و رویاها پرتاب می‌شوند. آنجا خانه می‌کنند. خانه‌شان بدل به یک افق می‌شود. افق، آنجاست که همیشه رویه‌روست. جاودانه‌گی آن‌جاست. به این حس و نگاه و دریافت که می‌رسی، آسوده می‌شوی. دیگر بی‌آنها نیستی. دیگر حسرت نمی‌خوری. همیشه می‌یابی‌شان. آنجا، در افق، در همیشه‌های رویه‌رو. افق، جایی‌ست که خاطره و آرزو با هم تلاقی می‌کنند. از یک جنس می‌شوند. گذشته در آینده است. آینده از گذشته می‌آید. نام‌ها و چهره‌های رفته، در نام‌ها و چهره‌های آینده‌سرت، می‌آمیزند. آنجا دیار موعود اتوپیا نیست؛ اما معبد تولد انسان تاریخی هست. انسان تاریخی را زیاد دیده‌ایم. بسیار به ملاقاتشان رفته‌ایم. با آنها بسیار سفر کرده‌ایم. با آنها زیر درخت توت و انجیر و گردو، زیر آبشارها و بارانها و برفها، زیر بیده‌های مجنون و سپیدارهای صبور و سروهای مغرور و متین، در خیابانها و جاده‌ها و راههای کوهستان، در زندانها و بالای «دار» ها و تختهای شکنجه، و در بسیار سطرهای تاریخ‌ساز زندگی بر این جهان، آری، با اینان زندگی کرده‌ایم، موسیقی گوش کرده‌ایم، آب و غذا خورده‌ایم، قصه گفته‌ایم، جنگیده‌ایم، تیرباران شده‌ایم، شعر خوانده‌ایم، شهید شده‌ایم، برخاسته‌ایم و با آنها به افق‌ها پرتاب شده‌ایم. انسان تاریخی از حوا و آدم تا الآن، عرصه‌ی گیتی و زندگی ما را معنا داده است. این معناها روزی اسمش ابراهیم خلیل بود. روزی اسپار تاکوس. روزی حسین. روزی زاپاتا. روزی چه‌گوارا و روزی هم **ستارخان** و... و روزها و سالها و قرن‌ها معناها را به دنیا آوردند و تاریخ‌ها و افق‌ها را ساختند و می‌سازند...

«نگاه موجزت

بازگشت دوستی  
از کرانه‌های غربت انسان.  
مردمکانت  
ثقل جهان و  
بی‌اندازه‌گی حجم عشق  
تا نوباوگان زمین من  
در مژه‌هایت خانه کنند  
و در ناقوس محبت‌های گرسنه  
از چشمانت شیر خورند...  
تو این‌چنین زیبایی  
تا من ترجمه‌ی انسان را  
در رنجباری سفرنامه‌ی واژه‌ها  
مشق ننویسم..

18 مرداد 94

.....  
سایت حقیقت مانا ۲۵ اسفند ۱۳۹۶ سیامک نادری